

زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی(ره)

سید محمد مکتبی و سعید هدایتی


بسم الله الرحمن الرحیم

زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی

نویسنده:

محمد مکتبی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زن وخانواده از دیدگاه امام خمینی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکتبی، محمد

عنوان و نام پدیدآور : زن وخانواده از دیدگاه امام خمینی / محمد مکتبی، سعید هدایتی.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل،مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما ،۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما؛ ۱۳۰۸.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۷۱-۵

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- دیدگاه درباره زن

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- دیدگاه درباره خانواده ها

موضوع : زنان در اسلام

شناسه افزوده : هدایتی، سعید

رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴ /ز ۹ م۷ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۸۱۷۱۸

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

نقش بانوان در انقلاب اسلامی، واقعیتی است که قابل انکار نبوده و در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است. حضرت امام رحمه الله در این باره می فرماید: «شما بانوان در این جا ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشته اید. شما سهم بزرگی در نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید».(۱)

عنایت به این واقعیت تاریخی و تبیین هر چه بهتر این نقش می تواند آثار مثبت زیادی را در پی داشته باشد که برخی از آنها عبارتند از:

ـ سپاس و قدرشناسی از زنان.

ـ زنده نگه داشتن روحیه انقلاب در آنان و نیز حفظ و تحکیم ارزش های متعالی در نیمی از پیکره جامعه.

ـ معرفی الگوی عملی و تجربه ارزشمند به زنان دیگر نقاط جهان.

ـ یادآوری عملی استعداد و شایستگی زنان به نسل حاضر و نسل های آینده به ویژه مسئولان جامعه.

ـ آموزش بیداری اسلامی به زنانی که اینک به جامعه قدم می گذارند.

ـ بی اثر کردن تبلیغات منفی بیگانگان در باره نقش زن در جمهوری اسلامی.

ـ یادآوری اهداف و آرمان های فراصنفی و فراجنسیتی زنان در نهضت.

ـ یادآوری نقش سازنده و متقابل انقلاب در تحول و بیداری زنان و رهایی آنان از اسارت گذشته.

۱- صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

به یقین، در بررسی نقش زنان در انقلاب اسلامی و ریشه یابی آن، بهترین، مهم ترین و مطمئن ترین منبع، نظرها و دیدگاه های روشن و شفاف حضرت امام خمینی رحمه الله است؛ زیرا ایشان افزون بر برخورداری از اطلاعات و تجربه هایی نزدیک به یک قرن از تاریخ معاصر ایران و جهان، رهبری نهضتی را بر عهده داشته که قرار است نقش زنان در همین نهضت، بررسی شود. بنابراین، بی تردید ایشان بیش از هر کسی بر جنبه های مختلف این موضوع اشراف داشته است و مطمئن تر از هر کسی می تواند درباره آن نظر دهد. با سپاس از پژوهشگران ارجمند، سید محمد مکتبی و سعید هدایتی شایسته است برنامه ریزان و برنامه سازان ارجمند، با نگرشی عمیق به افکار نورانی حضرت امام خمینی رحمه الله، در ترویج آموزه های آن، چون همیشه اهتمام لازم را داشته باشند.

و من اللّه التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله حضور زنان در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بیش از پیش مطرح شد. گفتنی است نزد افکار عمومی و نیز افرادی که با آموزه های ناب اسلام بیگانه اند، زنان جایگاه ویژه و شایسته ای در عرصه های گوناگون جامعه ندارند.

بدین ترتیب، براساس برخی افکار نارسا و برداشت های سطحی از فرهنگ دینی اسلام، نقش زنان به فعالیت های درون خانه محدود است و زنان نمی توانند از منزلت اجتماعی مطلوب برخوردار باشند. در این میان، بررسی دیدگاه های ناب معمار کبیر انقلاب درباره نقش و جایگاه زنان اهمیت زیادی دارد. به گونه ای که می توان ادعا کرد، پس از امامان معصوم علیهم السلام تاکنون در اندیشه و کلام هیچ یک از رهبران و مصلحان دینی و اجتماعی، بر شخصیت زن این مقدار که در اندیشه و کلام آن بزرگوار تکریم شده، تأکید نشده است.

امام، زن را دارای توانایی ها و ویژگی های مثبت فراوانی می داند که اگر به خوبی شناسایی و به کار گرفته شود، تأثیر بسزایی در تحولات اجتماعی خواهد داشت. ایشان برای تبیین جایگاه ویژه زن از دیدگاه اسلام و آنچه انقلاب اسلامی در عصر حاضر برای وی به ارمغان آورده، بر شناخت پیشینه تاریخی وضعیت زنان تأکید داشت.

امام، منادی نجات و رهایی زن از ستم هایی شد که به ناحق بر او روا می داشتند و توانست کرامت و شخصیت از دست رفته زن را به وی بازگرداند.

پژوهش حاضر، درآمدی است بر تبیین دیدگاه های امام خمینی رحمه الله در زمینه جایگاه و نقش زنان در انقلاب اسلامی و عرصه های دیگر اجتماعی و همچنین، نگاهی است کوتاه به سیره رفتاری امام در زمینه خانواده. امید است توجه اصحاب رسانه ملی را به خود جلب کند.

فصل اول: نقش زنان در انقلاب

اشاره

فصل اول: نقش زنان در انقلاب

امام خمینی رحمه الله نقش و سهم زنان را در نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک اصل مسلّم پذیرفته و بارها بر آن تأکید کرده است. این تأکید به صورت های مختلفی بیان شده است. ایشان در زمان انقلاب فرموده بود:

«امروز، زن های شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان می روند».(۱)

«زنان همدوش مردان به پا خاستند و آزادی و استقلال خود را تقاضا کردند و شاه را محکوم نمودند و در جمعه سیاه آنچه مشهور است، ششصد نفر از زنان آزاده ما به دست عمال شاه کشته شدند».(۲)

«ملتی که حتی بانوان محترمه اش با تظاهرات محجوبانه، بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می کنند، پیروز است».(۳)

پس از پیروزی انقلاب نیز می فرمود: «ما همگی مرهون شجاعت های شما زنان شیردل هستیم».(۴)

«از خواهران عزیز که در این جا اجتماع کرده اند و با تظاهر خودشان پشتیبانی از نهضت می کنند، متشکرم. خداوند شما را حفظ کند و برای اسلام نگه دارد. شما سهم بزرگی در این نهضت دارید و داشته اید. این نهضت را شماها باید به ثمر برسانید و

۱- اعلامیه حضرت امام رحمه الله به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای تهران. (صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۰.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفترسوم، ص ۷۶.

۳- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۲.

۴- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

می رسانید».(۱)

«ما همه در این نهضت سهیم هستیم و شما خانم ها سهم بزرگ دارید».(۲)

قبل از بررسی دیدگاه حضرت امام رحمه الله درباره نقش زنان در انقلاب، مناسب است که نگاهی گذرا به دیدگاه ایشان درباره نقش زنان در جنبش های صد ساله اخیر بی افکنیم.

نقش زنان در جنبش های صد ساله اخیر

نقش زنان در جنبش های صد ساله اخیر

امام خمینی رحمه الله نه تنها حضور پرشور زنان در انقلاب اسلامی را بسیار ارزشمند می دانست، بلکه از نقش زنان در مبارزات صد ساله اخیر ملت ایران به نیکی یاد می کرد. ایشان در چند سخنرانی خود، به نقش زنان در جنبش تنباکو و جنبش مشروطه اشاره فرموده است. امام با یادآوری اینکه زنان ایرانی پیش از دوران پهلوی از روحیه آزادی خواهی و حق طلبی واقعی برخوردار بودند و این رژیم رضاخان و پسرش بود که به نام آزادی برای زنان، در واقع روحیه آزادی خواهی آنان را گرفته و آنان را به اسارت درآورده بود، می فرمود: «ما باید حساب این مطلب را بکنیم؛ آزادی که اینها (شاه سابق) و اشخاصی که الان هم در مسیر او هستند، می خواهند، چه است و زن ها در غیر زمان این آدم چه نقشی داشتند؟ و بعد از او چه نقشی و در زمان او چه؟ کسی که تاریخ این صد ساله را مطالعه کرده است، می داند در جنبش هایی که در ایران بوده است، جنبش های اصیلی که در ایران بوده است قبل از این دوره رژیم پهلوی، جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت، زن[ها]همدوش با مردها فعالیت می کردند...».(۳)

در همین راستا، ایشان در تحلیل دیگری درباره نقش اساسی زنان در جنبش های

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۲۰.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۱.

۳- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۳۰.

تاریخ معاصر (تنباکو و مشروطه) چنین می فرماید:

«ابرجنایت کاران که ادامه حیات خویش را در اسارت ملت ها به ویژه ملت های اسلامی می دانند، در این سده های اخیر که راهشان به کشورهای اسلامی نفت خیز و ثروتمند باز شد، دریافتند که تنها قشر مذهبی است که می تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنها باشد و دیدند که حکم نیم سطر یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم، دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو درآورد و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی داشتند و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان به ویژه قشر متوسط محروم، آنان هستند که می توانند با قیام، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند تا این عوامل به قوّت خود باقی هستند، نقشه های آنان نقش بر آب است».(۱)

امام خمینی رحمه الله نه تنها نقش زنان را پیش از دوره پهلوی و در مشروطه و جنبش تنباکو مورد تأکید و ستایش قرار می دهد، بلکه به پیش قدمی زنان در تمامی رخدادها و مسائل عمومی کشور اعتقاد داشت. ایشان این مسئله را نه برای خوشایند زنان، بلکه از روی اعتقاد عمیق و باور قطعی نسبت به شایستگی ها و تلاش زنان در همه صحنه ها ابراز می داشت. برای نمونه، ایشان در سخنان خود به مناسبت ولادت باسعادت حضرت زهرا علیهاالسلام که در تاریخ ۱۱/۱۲/۱۳۶۴ در دیدار با گروهی از زنان بیان داشت، می فرماید:

«بحمدالله زن ها در این جمهوری اسلامی چنانچه در همه مسائلی که عمومی پیش آمده است برای ایران پیش قدم بوده اند؛ در مسئله تنباکو پیش قدم بوده اند، در مسئله مشروطیت پیش قدم بوده اند، در مسائلی هم که ما الان مبتلا به آن هستیم، حظّ وافر دارند، بلکه باید بگویم که دو چندان حظّ دارند».(۲)

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

«شما همان گونه که در نهضت ها نقش اساسی داشته اید و سهیم بوده اید، اکنون هم باز باید در پیروزی سهیم باشید».(۱)

انقلاب اسلامی و تحول روحی زنان

اشاره

انقلاب اسلامی و تحول روحی زنان

در بررسی دیدگاه امام خمینی رحمه الله در مورد انقلاب اسلامی و عوامل شکل گیری و پیروزی آن، شاید مسئله ای که بیش از هر عامل دیگر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، مسئله تحول روحی مردم است که همین تحول روحی، خود عاملی در جهت پیروزی انقلاب اسلامی بود. امام بارها از این تحول روحی در بین مردم یاد کرده است: «تحول در ایران پیدا شده است. تحول روحی که این تحول روحی، از غلبه ای که بر طاغوت بود و او را عقب زد، مهم تر [است] و تمام دنیا متحیر شدند از [این] تحول روحی که در ملت پیدا شد. ملتی که از یک پاسبان می ترسید، ریخت در خیابان ها؛ بچه و بزرگ گفتند که ما شاه نمی خواهیم».(۲)

حضرت امام نه تنها این تحول را بسیار مهم و تعیین کننده می دانست، بلکه معتقد بود که آن، امری بی نظیر و منحصر به فرد برای ملت ایران است: «... اما یک وقت تحول پیدا شده و مثل حالا شده. حالا یک نمونه است؛ یعنی شما در طول تاریخ، در هر جا نگاه کنید، نمونه ای مثل «تحول کنونی» ایران پیدا نمی کنید. در تاریخ ایران که نیست، در تاریخ های دیگر هم معلوم نیست پیدا کنید که یک مملکتی ملتش یک جور بودند، در یک مدت کوتاهی شدند یک جور دیگری و اصلاً عکس آن شدند».(۳)

از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله، این تحول پدیده ای عمومی بود که در ملت ایران به ویژه زنان ایرانی به وجود آمد. در نظر ایشان، سهم زنان در این تحول چشم گیر

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر نهم ملت، امت، ص ۲۲۴.(سخنرانی حضرت امام در جمع هیئت قائمیه تهران)

۳- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر نهم ملت، امت، ص ۲۲۰.

از اهمیت ویژه ای برخوردار بود: «این جانب به زنان پرافتخار ایران مباهات می کنیم که تحولی آنچنان در آنان پیدا شد که نقشه شیطانی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاه های تبلیغاتی مزدور را نقش بر آب نمودند و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه های شوم غرب و غرب زدگان آسیب نخواهند پذیرفت».(۱)

«نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صد ساله را یک شبه طی نموده است و شما ملت شریف دیدید که زن های محترم متعهد ایران پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را درهم شکستند و ما همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم».(۲)

«در طایفه نسوان، شما ملاحظه کنید آن وقت چه خبر بوده، حالا چه خبر است؛ زن های ما حالا مکتبی شده اند».(۳)

این تحول در نظر حضرت امام خمینی رحمه الله، چنان مهم بود که آن را از هر دستاورد دیگر انقلاب بااهمیت تر می دانست:

«آنچه که در ایران بزرگ تر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد.»(۴) یا در جای دیگر می فرماید:«اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما».(۵)

ایشان برای اینکه این حقیقت به گونه ای ملموس مورد پذیرش قرار گیرد، بارها از

۱- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۵.

۲- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۵.

۳- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۶.

۴- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۵.

۵- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۵.

ویژگی هـای مردم به ویژه زنان در قبل و بعـد از تحول یاد کرده است و با مقایسه این دو وضـعیت، ادعای خود را به اثبات می رسانـد. برای بیـان روشن تر این واقعیت، بـا اسـتفاده از سـخنان حضـرت امـام رحمه الله به تبیین و مقـایسه این دو وضـعیت می پردازیم.

۱. ویژگی های زنان قبل از تحول

اشاره

۱. ویژگی های زنان قبل از تحول

«خانم هایی که در قبل وضعشان یک نحو دیگری بود و رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها و همدوش، بلکه مقدم، در این نهضت شرکت کردند».(۱)

از دیدگاه امام خمینی رحمه الله در مورد بررسی وضعیت زنان در قبل از انقلاب، نکته هایی به چشم می خورد که عبارتند از:

الف) کنار بودن از مسائل سیاسی و اجتماعی

الف) کنار بودن از مسائل سیاسی و اجتماعی

«این از برکات نهضت است که شما بانوان ساحل را و سایر بانوان محترم ایران را در مسائل روز و در مسائل سیاسی وارد کرده است. دست های جنایت کار که مظهرش دست محمدرضا و پدر او بود، همه قشـرهای ملت را از امور اجتماعی و سیاسی کنار گذاشـته بود. مسائل سیاسـی در پیش بانوان اصلاً مطرح نبود یا اگر بعضی مطرح می کردند، روی همان جریان سیاست چپاول گری بود».(۲)

ب) بی تفاوتی نسبت به مسائل کشور

ب) بی تفاوتی نسبت به مسائل کشور

«چه وقت در ایران شـماها و ما یادمان هست که این طور انسجام باشد بین گروه های مختلف ملت و این طور در امور کشوری و سیاسـی همه حضور داشـته باشـند؟ اگر یـک وقتی یـک قضـیه ای هم در کشور واقع می شـد، حتی مردها هم در یک محله تهران اصلاً مطلع از این چیزها نمی شدند، خانم ها هم بی تفاوت بودند، مردم هم بی تفاوت بودند.

۱- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۶۱.
۲- تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۸۸.

آنها هم که مطلع می شدند، بی تفاوت بودند.(۱)

«... همین جوان ها، همان زن هایی که آن وقت که هیچ بی تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین ها هم وارد شدند در میدان و...».(۲)

ج) خودباختگی و غرب گرایی؛ پیروی از مد

ج) خودباختگی و غرب گرایی؛ پیروی از مد

تبلیغات کردند که شما خانم ها را از آن حیثیتی که دارید، بیندازند، از شما بگیرند حیثیت خودتان را، شما را غربی کنند، آرایش ها از غرب باید بیاید، مدها از غرب باید وارد بشود، هر روز تغییر که بکند، شما هم تغییرش بدهید. همه چیزهای شما از غرب وارد می شد، تبلیغات بود دیگر. همه هم عادت کرده بودند. اگر امروز یک چیزی می آمد و می گفتند در مثلاً انگلستان یک همچو چیزی شده است، فورا آنجا همه این چیزها را باید کنار بگذارند، آن پیش بیاید، این مد پیش بیاید».(۳)

«اینها تربیت انسانی را از ایران به کلی از بین بردند و تربیت های غربی، نه آن هم تربیت های صحیح غربی، تربیت های فاسد غربی در بین ما رواج دادند و در زمان این پسر، شاید بیشتر معنویات از بین رفت. در زمان او، ظلم شاید ظهورش، ظاهرش بیشتر بود. بانوان را بیشتر اذیت کردند. سایر مردم را بیشتر اذیت کردند».(۴)

«یکی از امور دیگری هم که باز من گفته ام، این است که ما را جوری بار آورده بودند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سر تا پایش فرنگی مآب است، این معلوم می شود خیلی عالی مقام است و اگر چنانچه مثل سایر مسلمان هاست، این خیلی عقب افتاده است».(۵)

۱- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، زن، ص ۹۱.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۳.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۵.

۴- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۶.

۵- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۷.

د) حاکمیت ارزش های مادی و مصرف زدگی

د) حاکمیت ارزش های مادی و مصرف زدگی

وقتی در قشر توده های مردم نگاه می کردی، در بین زن و مرد، هر دو طایفه، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش؛ هر که بهتر لباس می پوشید و شیک تر بود در لباس، ارزشش پیش مردم بیشتر بود و هر زنی که آرایشش به طرز اروپایی بود و لباسش از آنجا الهام می گرفت، این، پیش زن ها هم ارزشش بیشتر بود. البته پیش اکثر، ارزش ها همه به امور مادی بود».(۱)

«... عقب افتادگی و جلو رفتن را به این می دانستند که فرنگی مآب باشد؛ یعنی فرض کنید فرم لباسش چه جور باشد و فرم کفشش چه جور باشد یا مثلاً هر چه که از خارج می آید، صرف بکند. مصرفی بار آوردند ما را. برای همین جهت ما را مصرفی بار آوردند».(۲)

«... وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصا طبقه جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزیینات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هرچه بیشتر که خود داستان های غم انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها که عضو فعال هستند...».(۳)

ه) ایجاد انحراف و فساد در میان زنان

ه) ایجاد انحراف و فساد در میان زنان

«کسانی که آن زمان را به یاد دارند، می دانند این خائن تبهکار با دست یابی عمال بی وطنش، با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریع تر نقشه هایشان، چه راه هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده اند، به کتاب ها، شعرها،

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۸.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۸.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۹.

نوشته ها، نمایش نامه ها، تصنیف ها، روزنامه ها، مجله ها و مراکز فحشا و قمارخانه ها و شراب فروشی ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند، بنگرند و یا از آنان که دیده اند، بپرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان پرور و آموزگار، چه ظلم ها و خیانت هایی در ظاهر فریبنده ای به اسم زن مترقی روا داشتند».(۱)

«... تمدن اینها این است. اینها از تمدن این را می خواهند. اینها از آزادی اینها را می خواهند؛ آزادی غربی می خواهند و آن این است[که] زن و مرد با هم لخت بشوند و بروند توی دریا، بروند توی ــ نمی دانم ــ جاهای دیگر شنا کنند. این تمدنی است که آقایان می خواهند. این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد که بعد از اینکه می رفتند زن و مرد در دریا، زن ها همان طور لخت می آمدند توی شهر، مردم هم جرئت نمی کردند حرف بزنند».(۲)

«موقعی که مردم دریا می روند، یکی از اموری که آنها دامن به آن می زدند، همین اختلاطی بود که بین جوان ها و زن و مرد [بود] و این، نه از باب این بود که اینها می خواستند به جوان ها مثلاً یک خوشی بگذرد، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند».(۳)

«رژیم شاه است که با غرق کردن آنها (زنان) در امور خلاف اخلاق می کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند و اسلام شدیدا معترض به این امر است... ما می خواهیم که زنان را از فسادی که آنها را تهدید می کند، آزاد سازیم».(۴)

امام خمینی رحمه اللهدر تبیین هدف استعمار از ایجاد انحراف و فساد در میان زنان می فرمود:

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۲۸.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۵۵.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۵۶.

۴- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۵۸.

«... لازم دیدند برای دست یافتن به این کشورها و مخازن سرشار آنها، پایه های مذهب و رهبری مذهبی و قشرهای مذهبی سست شود و از همان زمان به فکر این نقشه و عملی نمودن آن افتادند و توفیق هایی هم به دست آوردند، تا آنکه رضاخان را برای این خدمت یافته و او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل به پیکار سرسختانه پرداخت و کسانی که آن زمان را به یاد دارند، می دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی وطنش، با اینان چه کردند و برای پیروزی سریع تر نقشه هایشان، چه راه هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشیدن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده اند، به کتاب ها، شعرها، نوشته ها، نمایش نامه ها، تصنیف ها، روزنامه ها، مجله ها و مراکز فحشا و قمارخانه ها و شراب فروشی ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند، بنگرند و یا از آنان که دیده اند، بپرسند».(۱)

و) نبود آزادی واقعی برای زنان

و) نبود آزادی واقعی برای زنان

«... این رژیم، آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پای مال ساخته است».(۲)

«در زمان رژیم که فریاد می کردند که «آزاد زنان و آزاد مردان»، چه فعالیتی زن ها داشتند؟ فعالیتی که ما از زن ها می دیدیم، این بود که چندتایشان جمع بشوند، بروند، با آن وضع فضیح بروند سر قبر رضاخان، آنجا تشکر کنند از اینکه ما را آزاد کردید. چه جور آزاد کرد؟ چه کرد؟... کدام زن توانست راجع به مسائل روز یک کلمه بگوید و کدام مرد توانست که راجع به گرفتاری هایی که ملت ما از دست اجانب و از دست داخلی ها داشتند، یک کلمه بنویسد... در این پنجاه سال که من شاهد قضایا بودم، آزادی واقعی مفید برای جامعه مسلوب بود. هیچ نداشتیم. یعنی زن ها آزاد نبودند که راجع به مسائل جامعه فعالیت بکنند یا حرف بزنند راجع به گرفتاری های ملت. راجع به

۱- همان، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲- همان.

گرفتاری های ملت به دست شرق و غرب هیچ آزادی نبود. راجع به گرفتاری های ملت از دست دولت های دست نشانده، یک کلمه آزاد نبودند که صحبت کنند».(۱)

مواردی که به آنها اشاره شد، ویژگی هایی بود که حضرت امام رحمه الله در ترسیم وضعیت زنان در قبل از انقلاب، به آنها اشاره داشته است و زنان ما را گرفتار چنین مشکلاتی می دانست. مشکلاتی که منشأ برخی از آنها را جنبه های روحی ــ اخلاقی و منشأ برخی دیگر را بعد فرهنگی و احیانا سیاسی دانسته است که در مجموع، در خدمت تحکیم پایه های رژیم گذشته قرار می گرفته، ولی در جریان شکل گیری انقلاب و پس از پیروزی، این ویژگی ها دست خوش تحولی اساسی شد، به گونه ای که شخصیت فردی و نیز هویت جمعی جدیدی برای زنان جامعه ما به ارمغان آورده است.

۲. زنان بعد از تحول

اشاره

۲. زنان بعد از تحول

این تحول، بر اساس جنبه های گوناگونی قابل تبیین است که در اینجا با استناد به سخنان امام خمینی رحمه الله در دو بعد فردی و اجتماعی، به نشانه هایی از این تحول اشاره ای خواهیم کرد:

الف ــ جنبه فردی

اشاره

الف ــ جنبه فردی

زیر فصل ها

یک ــ شجاعت و شهامت

دو ــ روحیه شهادت طلبی

سه ــ از خود گذشتگی در راه انقلاب

چهار ــ تحول ارزشی

یک _ شجاعت و شهامت

یک _ شجاعت و شهامت

«این یک تحولی بود که بشر نمی توانست این تحول را درست کند؛ این تحول الهی بود؛ یعنی مقلب القلوب این کار را کرد؛ قلب ها را از آن وحشت بیرون آورد، از آن وحشتی که از این رژیم ها همه داشتند، از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن، تصمیم و شجاعت به ایشان داد، به طوری که زن ها، بچه ها و مردها، همه به مبارزه برخاستند. کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید، مقابل توپ و تانک بیاید، این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجاد فرمود».(۲)

۱- همان، ص ۲۶۲.

۲- همان، ص ۱۶۰.

«خانم هایی که در قبل وضعشان یک وضع دیگری بود، رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها همدوش و بلکه مقدم، در این نهضت شرکت کردند. این تحول ها، تحول های اعجازآمیز بود».(۱)

«این معجزه است که خانم ها در مقابل تانک و توپ و مسلسل ها ایستادگی کردند و از هیچ چیز نهراسیدند. این نور قرآن و اسلام است که در دل های شما، در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است. این نور ایمان است که شما خانم ها هم از شهادت نمی هراسید».(۲)

دو ـ روحیه شهادت طلبی

دو ـ روحیه شهادت طلبی

از نظر امام خمینی رحمه الله، از دیگر ویژگی های آشکار مردم که در اثر این تحول به وجود آمد، روحیه شهادت طلبی بود. این روحیه تنها مربوط به مردان و جوانان نبود، بلکه، زنان نیز چنین روحیه ای پیدا کرده بودند:

«مردم متحول شده اند، مثل مردمی که در صدر اسلام بود. اکنون هم زن ها به من می گویند اجازه بدهید ما هم در راه نهضت شهید بشویم. زن های زیادی آمده بودند پیش من و می خواستند در جنگ کردستان شرکت کنند و حتی بعضی از این زن ها می گفتند که با دادن چند شهید، باز هم حاضر هستند که شهید بدهند».(۳)

«ملت ما شهادت را ترجیح می دهد و می گوید ما می خواهیم شهید بشویم. از اول نهضت تقریبا من نجف بودم. از آن وقت تا حالا زن و مرد و جوان ها می آیند از من استدعا می کنند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. من دعا می کنم ثواب شهید پیدا بکنند. یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش در تهران داشتیم، آن زن و مردی که با هم

۱- همان، ص ۱۶۲.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر چهارم، ص ۴۰.

۳- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر نهم، ص ۲۲۹.

ازدواج کردند، بعد آن زن یک کاغذی به من داد، خواندم، دیدم نوشته است شما دعا کنید من شهید بشوم...».(۱)

«از آن وقتی که نهضت شروع می شد، مکرر هرچند روز یک مرتبه زنان و مردان می آمدند پیش من اصرار می کردند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم ومن دعا می کنم که شما موفق بشوید و ثواب شهادت را داشته باشید».(۲)

«می دانید که جوان های ما شهادت را می خواهند و از آنها گاهی وقت ها که با من ملاقات می کنند، گاهی بعضی شان قسم می دهند، بعضی از خانم ها قسم می دهند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم و من دعا می کنم که آنها ثواب شهید را ببرند و پیروز بشوند».(۳)

سه _ از خود گذشتگی در راه انقلاب

سه _ از خود گذشتگی در راه انقلاب

حدیث ایثار و از خودگذشتگی زنان در انقلاب، حدیث زیبایی است که هر زمان روایت گر حماسه ای دیگر است. این حماسه ها آن قدر شگفت و زیباست که امام حماسه سازان را نیز به شگفتی وا می دارد. این، نمونه ای است از آن همه زیبایی:

«مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آن قدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز، بلکه شرمسار است».

این جانب در طول جنگ، صحنه هایی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد و آنچه برای من یک خاطره فراموش نشدنی است با اینکه تمام صحنه ها چنین است، ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود.

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر نهم، ص ۲۲۹.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر چهارم، ص ۴۱.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۱۱.

آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت:

«حال که نتوانستم به جبهه بروم، بگذار با این ازدواج، دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم. عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه های الهی آنان را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی توانند بیان و یا ترسیم کنند و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند».(۱)

یکی از بارزترین جلوه های ایثارگری زنان، شهادت فرزندانشان است. «ما هر روز شاهدیم که مادران شهدا، کسانی که حتی چند شهید داده اند، فریاد می زدند که اگر باز هم داشتیم، در راه خدا می دادیم و تأسف می خورند که دیگر فرزندی ندارند که در راه خدا بدهند».(۲)

«زن هایی که جوان های خودشان را دادند، افتخار کردند که شهید داده ایم و آن کسی که یک پسر از او باقی مانده بود، باز می گفت این را هم اهدا می کنم».(۳)

چهار ـ تحول ارزشی

چهار ـ تحول ارزشی

در بعد فرهنگی، بزرگ ترین دستاورد انقلاب، تحول در ارزش ها بود که ریشه تحولات دیگر به شمار می آید. در این زمینه نیز زنان دچار تحولی شگرف شدند، به گونه ای که از ارزش های غربی و طاغوتی روی گرداندند و به ارزش های معنوی و الهی روی آوردند. امام رحمه الله نیز با بیان های مختلف، بارها به این تحول ارزشی اشاره کرده است.

«جامعه ما از بعضی بانوان زمان محمدرضا و رضا برگشتند به یک بانوانی که زینب گونه شدند و تابع فاطمه. آن روز تابع آرایش اروپایی بودند ـ باید از اروپا طرح لباس بیاید ـ امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام می پسندد، مقبول است و این، یک

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر هشتم، ص ۲۰۹.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر نهم، ص ۲۴۳.

۳- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر چهارم، ص ۳۹.

تحولی است که بالاترین تحولات است در جامعه ما».

«آن ارزشی که امروز در کشورهای اسلامی و خصوصا در کشور ایران پیدا شده است، این است که در رژیم سابق، شأن و مرتبت، عبارت از آرایش کذا و لباس های کذا و منزلگاه های کذا بود و امروز، ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است، ارزش انسانی است که به واسطه همین تحول درقشر بانوان، دیگر آنهایی که با آرایش های فاسد [و] با لباس های فاخر می خواستند فخرفروشی کنند، در بین جامعه ما محکومند و خجالت زده اند. آن روز بانوان اسلامی ما خجالت می کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در او مراعات شده باشد. طبقات ضعیف هم اگر این کار را می کردند، خجالت می کشیدند در بین قشرهای فاسد مرفه بودند. امروز، امر به عکس است و یکی از این اشخاصی که دارای آن طور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنمایی های مفسد بودند، آنها احساس شرم می کنند در بین شما».

حضرت امام خمینی رحمه الله تحولات مثبت در زنان ایران را آن قدر مهم و عمیق می داند که آنها را شایسته الگو شدن برای دیگر زنان مسلمان دانسته و از آنان خواسته است که ایشان را الگوی خویش قرار دهند:

«من امیدوارم که خانم های مسلمین در هر جا هستند، اقتدا کنند به شما عزیزان که کوشش دارید برای اینکه ارزش زن را هر چه بیشتر بالا ببرید و آن ظلمی که در آن زمان شده، با کوشش خودتان از او جبران کنید».(۱)

«امید است که زنان سایر کشورهای اسلامی از تحول معجزه آسایی که برای زنان ایران در اثر انقلاب اسلامی حاصل شد، عبرت گرفته و بکوشند جامعه خود را اصلاح نمایند و کشورهای خود را به آزادی و استقلال برسانند».(۲)

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر چهارم، ص ۸۳ .

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۹۸.

ب) جنبه اجتماعی

اشاره

ب) جنبه اجتماعی

از پی آمدهای اجتماعی تحول در زنان، حضور مؤثر در اجتماع و مشارکت گسترده اجتماعی در زمینه های گوناگون بود که به برخی از این زمینه ها اشاره می شود:

یک ــ مشارکت اجتماعی زنان

یک ــ مشارکت اجتماعی زنان

«... همان زن هایی که آن وقت که هیچ بی تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین ها وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می توانند انجام وظیفه بکنند».(۱)

«الان را مقایسه کنید با آن وقت ایران الان تقریبا یک مدرسه شده است و هر جای ایران که انسان نگاه می کند، بانوان آنجا مشغول فعالیت اسلامی، دینی و حتی فعالیت سیاسی هستند با حفظ عفافشان، با حفظ شرفشان».(۲)

دو ــ مشارکت سیاسی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت کشور

دو ــ مشارکت سیاسی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت کشور

«شما امروز آزاد هستید. همه برادران و خواهران امروز آزادند و آزادانه از دولت انتقاد می کنند. از هر چیزی که بر خلاف مسیر ملت و اسلام باشد، انتقاد می کنند. مسائل اساسی را از دولت تقاضا می کنند. این نهضت، شما را آزاد کرد و از آن بندهایی که بر ملت بود، نجات داد. الان آزادانه در اینجا جمع هستید و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را مطرح می کنید. شما بانوان چند سال پیش از این نیستید. شما امروز خودتان در سرنوشت خودتان دخالت می کنید، خودتان مسائل سیاسی را طرح می کنید و از دولت می خواهید؛ این معنای آزادی است».(۳)

«این حضوری که الان تمام قشرهای ملت دارند، این حضور هیچ وقت نبوده است. همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۳.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۴۶.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۸۹ .

می دانند. اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد، این طور نیست که بی تفاوت باشند، مردم کار نداشته باشند، خانم ها هم مشغول کار دیگری باشند، خیر، این جور نیست. حالا شما خانم ها که خداوند تأییدتان کند و شما پاسدارها که خداوند همه تان را تأیید کند، با هم حاضرید در صحنه».(۱)

«خواهرهای ما که اشتغال به مسائل دیگر داشتند، الان همدوش با برادرها و مقدم بر آنها، به سرنوشت ملت و به سرنوشت کشور خودشان فکر می کنند، طرح می دهند، فکر می کنند، انتقاد می کنند. این تحول، تحولی است که خدای تبارک و تعالی که مقلب القلوب است، این تحول را ایجاد کرد».(۲)

«امروز است که همه قشرها در مسائل خودشان و در مسائل کشورشان و در مسائل سیاسی دولت دخالت می کنند. امروز است که تمام ملت، چه بانوان محترم و چه برادران، در سرنوشت خودشان دخالت می کنند».(۳)

سه _ نصیحت به رهبران جامعه

سه _ نصیحت به رهبران جامعه

حضرت امام خمینی رحمه الله رشد سیاسی زنان را آن قدر مهم و چشمگیر می داند که آنان را شایسته نصیحت کردن به رهبران جامعه معرفی می کند:

«درود بر شما بانوان معظم که با نصیحت های خودتان می خواهید ما را به راه راست وا دارید».(۴)

افزون بر این، امام حتی زنان را در حد رهبران جامعه می داند و خود را پیرو آنها معرفی می کند:

«شما رهبران نهضت هستید. بانوان، رهبر نهضت ما هستند. ما دنباله آنها هستیم.

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۲.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۱.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۷۰.

۴- تبیان، ص ۶۸.

من شما را به رهبری قبول دارم و خدمت گزار شمایم».(۱)

«زن ها را شما ببینید چه فریاد می زنند، مردها چه فریاد می زنند. اینها پشتوانه شما هستند. «شَکَرَ اللّهُ سَعْیَهُمْ.» اگر اینها نبودند، ما هیچ قدمی برنمی داشتیم. اینهایند که من را وادار می کنند به قدم برداشتن».(۲)

چهار ــ یافتن حس تعاون

چهار ــ یافتن حس تعاون

«... از آن طرف تحول دیگری که پیدا شد، امروز یک دسته از جوان ها، زن و مرد، از اروپا آمدند پیش من و آنها گفتند ما آمدیم برای اینکه در روستاها برویم و به مردم خدمت بکنیم. جوان هایی که سابق در مسائل دیگر فکر می کردند، امروز در این جور مسائل فکر می کنند. می آیند، از اروپا می آیند، از خارج می آیند، زن و مردشان می آید برای اینکه در روستاها بروند کمک کنند به روستایی ها، چنانچه از داخل، از دانشگاه، طبیب، مهندس، خانم ها، همه می روند در این روستاها و کمک می کنند. این حس تعاون یک حسی است که، یک تحولی است که اعجازآمیز است و آنچه که هست، خداوند تبارک و تعالی انجام داده است».(۳)

«من دل خوشم به اینکه یک همچو تحولی در ایران، در همه قشرها شده است. الان همین قضیه جهاد سازندگی، خوب، انسان می بیند که از همه جا اشخاصی که تحصیل کرده اند خصوصا خانم ها، اینها همین امروز هم در مصاحبه ای که بود، من گوش کردم، دیدم که می گوید ما از اول آفتاب می رویم سراغ کار تا غروب. این یک مسئله ای است که یک تحولی است پیدا شده است؛ یعنی با اشتیاق و احساس اینکه باید برای مردم کار بکنیم، مشغولند...».(۴)

۱- تبیان، ص ۱۶۹.

۲- تبیان، ص ۱۷۷.

۳- تبیان، ص ۱۶۲.

۴- تبیان، ص ۱۶۳.

حفظ تحول روحی، رمز بقای انقلاب

حفظ تحول روحی، رمز بقای انقلاب

نسبت تحول به وجود آمده با انقلاب، نسبتی دو سویه و متقابل است. این نسبت به قدری نزدیک و آمیخته به یکدیگر است که نمی توان تقدم یکی را بر دیگری مشخص کرد؛ چرا که از سویی انقلاب سبب بروز این تحول شد و از دیگر سو، انقلاب در بستر این تحول به وجود آمد و به پیش رفت. از این رو، حضرت امام رحمه اللهحفظ این روحیه جدید و متحول شده را عامل و رمز بقای انقلاب معرفی کرده است و بازگشت از آن را سبب سستی و گه گاه شکست انقلاب می داند:

«این تحول روحی و فکری که در ملت [در] همه طبقاتش پیدا شد، همه هم یک مطلب را پیدا کردند و آن جمهوری اسلامی، این، باعث پیروزی شد برای اینکه حق بود و حق پیروز است. این را باید حفظ کنید.»(۱)

«من امیدوارم که این تحول باقی بماند و شما بانوان و شما برادران و سایر برادران و خواهران ما جدیت کنند و این تحول روحی را حفظ کنید».(۲)

شیوه های حضور زنان در انقلاب اسلامی

اشاره

شیوه های حضور زنان در انقلاب اسلامی

در بررسی شیوه های حضور زنان در انقلاب اسلامی یا به تعبیر بهتر، نمودهای مختلف حضور زنان در انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت امام رحمه الله، به دو دسته از شیوه و یا نمود برمی خوریم. نخست، حضور مستقیم و دیگری، حضور غیرمستقیم که در ادامه با بیان نمونه هایی، به تبیین هر دو شکل می پردازیم:

۱. حضور مستقیم

۱. حضور مستقیم

در بررسی اشکال و نمودهای حضور مستقیم زنان در انقلاب، به موارد گوناگونی در سخنان امام بر می خوریم، از جمله:

۱- تبیان، ص ۲۱۱.

۲- تبیان، ص ۱۶۰.

الف) حضور زنان در تظاهرات و راهپیمایی های خیابانی

«شما سر نیزه ها را گذاشتید طرف مردم، ولی مردم آمده اند سینه هایشان را سپر کرده اند در مقابل سرنیزه های شما. بچه ها هم آمدند، زن ها هم آمدند، زن ها این بچه های کوچکشان را بغل کردند آمدند در صف مردم».(۱)

«ما دیدیم که عضو فعالی که کار از او می آید، آن که در این نهضت خدمت کرد، شماها بودید. شما بودید که با همین وضعی که الان اینجا حضور دارید،(۲) با همین وضع در خیابان ها ریختند و به نهضت ما کمک کردید».(۳)

«در تظاهرات خیابانی ما، زنان ما بچه های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل به میدان مبارزه آمده اند».(۴)

ب) برپایی و حضور در جلسات سیاسی ضد رژیم

«جلسات سیاسی که زنان در شهرهای مختلف ایران به پا می کنند، کم نیست. آنان نقش بسیار ارزنده ای را در مبارزات ما ایفا کرده اند».(۵)

«هم اکنون زنان مسلمان ایران در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند. به من اطلاع دادند که در شهرهای ایران، زنان جلسات سیاسی دارند».(۶)

ج) کمک های مالی به نهضت

از دیگر نمودهای حضور و همراهی زنان در انقلاب، کمک های مالی آنان در زمان انقلاب و پس از پیروزی بود:

«زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده اند و هم مجاهدات مالی. این طبقه

۱- تبیان، ص ۱۷۷.

۲- اشاره به خانم های محجبه ای دارد که به ملاقات حضرت امام رحمه الله آمده بودند.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۹.

۴- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۶.

۵- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۷.

۶- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص۷۶.

محترم زن ها که در جنوب تهران و در شهر قم و در سایر شهرها هستند، همین خانم های محجبه، همین ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیش قدم بودند و در ایثار مال هم پیش قدم. ایثار کردند جواهرات و طلاهایی که گرانند؛ برای مستضعفین دادند. عمده در این امور، آن قصد پاک است».(۱)

د) اسارت در زندان های رژیم و شهادت در خیابان ها

زنان در همراهی با انقلاب چنان استوار و ثابت قدم بودند که تا پای جان در برابر حبس و شکنجه و شهادت چه در زندان ها چه در خیابان ها چه در برابر گلوله های مزدوران شاه ایستادند که خود، زیباترین و مهم ترین جلوه حضور آنان در نهضت اسلامی بود.

امام رحمه الله با اشاره به زندانی شدن زنان می فرماید:

«زندان های شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است».(۲)

«زنان مانند مردان زندان های ایران را پر کرده اند و در اینجاست که آزادی آنها در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است».(۳)

«آزادی زن در منطق شاه؛ یعنی پر کردن زندان ها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستی های اخلاقی شاهانه تن بدهند».(۴)

و در تجلیل شهدای زن که در انقلاب اسلامی خون پاکشان بر زمین ریخت می فرماید:

«زنان هم دوش مردان به پا خاستند و آزادی و استقلال خود را تقاضا کردند و شاه را محکوم نمودند و در جمعه سیاه آنچه مشهور است، ششصد نفر از زنان آزاده ما به دست عمّال شاه کشته شدند».(۵)

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۴.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۶.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۵۸.

۴- تبیان، دفتر هشتم، ص ۲۵۹.

۵- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۷۵.

«شما دیدید، ما دیدیم که زن در این نهضت چه کرد... و آنها که قیام کرده اند، همین زن های محجوبه جنوب شهر، قم و سایر بلاد اسلامی بودند... اینهایی (زنان) که تربیت اسلامی داشتند، خون دادند، کشته دادند، به خیابان ها ریختند و نهضت را پیروز کردند».(۱)

«بانوان هم در همین معنا شریکند که در وقتی که همه خطرها بود، هم شما در خیابان ها رفتید، هم آن بانوان محترمه و هیچ کس هم شما را الزام نکرده بود که بیایید بریزید در خیابان و بروید پشت بام ها «اللّه اکبر» بگویید و مورد اصابت گلوله _ مثلاً بعد _ واقع شوید».(۲)

۲. حضور و نقش غیرمستقیم

۲. حضور و نقش غیرمستقیم

از خلال سخنان امام رحمه الله در مورد حضور زنان در نهضت، می توان به روشنی دریافت که ایشان افزون بر حضور و نقش مستقیم زنان در انقلاب، به نقشی غیرمستقیم، ولی به مراتب مهم تر از نقش اول اشاره دارد. نقشی که بارها به بیان های گوناگون بر آن تأکید ورزیده است و این نقش، همان شورآفرینی حضور زنان در انقلاب بود که سبب تحریک مردان برای حضور هر چه گسترده تر ایشان در صحنه های انقلاب می شد که امام با تعبیرهایی چون «زنان، تشجیع کننده مردان»، «الهام گرفتن مردان از زنان»، «تعلیم گرفتن مردان ایران از زنان»، «عبرت گرفتن مردان از زنان»، «زنان، مشوّق مردان»، «بانوان، اسباب جرئت و شجاعت مردان» و... از آن حضور مؤثر و بی نظیر یاد می کرد:

«بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرئت و شجاعت پیدا کنند».(۳)

«ما نهضت خود را مدیون زن ها می دانیم. مردها به تبع زن ها در خیابان ها

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۹.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۱.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۸.

می ریختند. تشویق می کردند زن ها مردان را».(۱)

«بانوان در ایران بسیار حظّ وافر داشتند؛ یعنی بانوان که بیرون می آمدند، مردم تهییج می شدند دو مقابل. چند مقابل می شد قدرت مردم در عین حالی که هیچ نداشتند الاّ قوه ایمان».(۲)

«باید تشکر کنیم از خانم ها که در این نهضت یک قدم راسخی داشتید و یک کمک بزرگی به ملت کردند و این خانم ها بودند وقتی که به خیابان ها و کوچه ها ریختند و فریاد زدند، تشجیع کردند مردها را و قدرت های آنها را چند مقابل کردند. لهذا علاوه بر اینکه خودتان قدرتمندی کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید».(۳)

بر اساس این دیدگاه که حضرت امام رحمه الله زنان را مشوق حضور مردان در صحنه های انقلاب می داند، ایشان زن ها را مقدم بر مردها و پیش گامان اصلی نهضت دانسته است و در نتیجه، خود، ملت و نهضت را رهین منّت زنان و مدیون آنان قلمداد می کند:

«شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید. مردها از شما الهام گرفتند. مردهای ایران از مخدّرات ایران، از بانوان ایران عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند».(۴)

«خداوند نگه دار همه شما باشد. این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند».(۵)

«ما رهین منت بانوان، بیشتر از جوان های مردشان هستیم...».(۶)

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۹.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۰.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۱.

۴- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۷.

۵- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۸.

۶- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۰.

«ما نهضت خود را مدیون زن ها می دانیم. مردها به تبع زن ها در خیابان ها می ریختند. تشویق می کردند زن ها مردان را...».(۱)

«خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زن هاست».(۲)

حضرت امام رحمه الله بدون هیچ گونه ظاهرسازی، به پیش گامی زنان در نهضت معتقد بود و این اعتقاد که از باوری محکم و استوار سرچشمه گرفته بود، تا آنجا پیش رفت که ایشان حتی در چندین مورد، زن ها را به عنوان رهبر نهضت مورد خطاب قرار داد و خود را دنباله رو آنها معرفی فرمود. این اعتقاد راسخ و این خطاب شجاعانه، افزون بر اینکه از روح بلند و متواضع امام حکایت دارد، درسی است برای افراد کوته فکری که با نگاه سطحی و ضعیف خود نسبت به زن، شایستگی ها و توان مندی های بالای آنها را باور ندارند و نیز جواب محکمی است به بوق های تبلیغی دشمنانی که همواره چهره ای مخدوش از اسلام و انقلاب را در ارتباط با زنان به نمایش می گذارند. همان کسانی که برای زنان ما اشک تمساح می ریزند و پیوسته چنین وانمود می کنند که در تفکر اسلامی، زن موجودی ضعیف، کم ارزش و درجه دو به شمار می آید:

«بانوان قم و بانوان چهارمردان، پیشرو این نهضت اسلامی بودند. رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند. نهضت را راهنمایی کردند. شما رهبران نهضت هستید. بانوان رهبر نهضت ما هستند. ما دنباله آنها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمت گزار شمایم».(۳)

«این فریادی که اینها می زنند، زن ها را شما ببینید چه فریاد می زنند، مردها چه فریاد می زنند. اینها پشتوانه شما هستند. «شکر الله سعیهم.» اگر اینها نبودند، ما هیچ قدمی

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۹.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۲.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۹.

برنمی داشتیم. اینهایند که من را وادار می کنند به قدم برداشتن».(۱)

«شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشتید و در همه جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها...».(۲)

تحلیل نقش غیر مستقیم زنان در نهضت

تحلیل نقش غیر مستقیم زنان در نهضت

حضرت امام خمینی رحمه الله نسبت به نقش غیرمستقیم زنان در نهضت که همان نیرودهندگی و الهام بخشی به مردان است، توجه خاصی داشت که پیش از این، نمونه هایی از آن بیان شد. اکنون برای روشن ترشدن این پدیده، آن را تجزیه و تحلیل می کنیم.

رهبر فرزانه انقلاب در سخنی به شرح این مسئله می پردازد:

«اگر چنانچه یک عده از زن وارد بشوند در فرض کنید یک محلی که جنگ است، علاوه بر اینکه خودشان جنگ می کنند، مردها را که یک احساسی دارند نسبت به زن ها، حساسیت دارند نسبت به زن ها، مردها را قوّه شان را چند برابر می کنند. این طور نیست که اینها اگر فرض کنید بروند دفاع کنند، فقط خودشان دفاع کرده اند، خیر، خودشان دفاع کرده اند و دیگران [را] هم به دفاع وارد کرده اند. مرد حساس است نسبت به زن. مرد اگر صد نفر مرد را ببینند که می کشند، ممکن است خیلی چیز نشوند، اما یک زن را ببینند که بی احترامی می کنند، حساسیت دارند ولو اجنبی باشند [و] آن زن، هیچ کار هم به او نداشته باشد. این، یک حساسیتی است که مردها دارند. بنابراین، پیش قدم شدن شما در همه مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه ای، این، اسباب این می شود که مردها هم بیشتر شوند، مردها هم قوی تر بشوند».(۳)

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۷.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۱.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۴.

امام در جایی دیگر با نگاهی گذرا به این مسئله می فرماید: «خدمت مردها بسیارش مرهون خدمت زن هاست. در مردها یک حسی است که اگر ببینید زن ها بیرون آمده از خانه ها برای یک مقصدی، اگر قوّه شان یکی باشد، ده تا می شود و در مملکت ما این طور شد...».(۱)

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله نیز در کتاب پیرامون جمهوری اسلامی در فصلی با عنوان «زنان و انقلاب اسلامی»، به تحلیل علمی این قضیه می پردازد که برای تکمیل این بحث آورده می شود. ایشان در اثبات نقش غیرمستقیم زنان در انقلاب می نویسد: «زنان در طول تاریخ تنها مولد و زاینده مردان و پرورش دهنده جسم آنها نبوده اند، بلکه الهام بخش و نیرودهنده و مکمل مردانگی آنها بوده اند. زنان از پشت صحنه و از پشت جبهه جنگ همواره به مردان، مردانگی می بخشیده اند. ما در بسیاری از اشعار حماسی عربی و فارسی می بینیم که دلیران و دلاوران در حماسه های خود، زنان را مخاطب قرار داده و از مردانگی و شجاعت و دلاوری خود داد سخن داده اند. گویی مرد آگاهانه و یا ناآگاهانه از همه دلیری ها و دلاوری های خود، رضایت و تحسین و جلب رضایت زن را منظور می داشته است... اینکه می گوید زن آفریننده عشق است و عشق آفریننده مرد و مرد آفریننده تاریخ، ناظر به نقش غیرمستقیم زن در سازندگی تاریخ است. زن نقش سازندگی غیرمستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش؛ یعنی حیا و عفاف و تقوا و دورباش زنانه خویش است.

آنجا که زن دورباش حیا و عفاف خود را حفظ نکرده و خود را به استقلال کشانده، این نقش تاریخی را از دست داده است... ازاین رو، گویی نوعی تضاد و تعارض میان این دو نقش وجود دارد: یا نقش غیرمستقیم و از صحنه بیرون بودن و یا نقش مستقیم و پشت جبهه را رهاکردن و نقش غیرمستقیم نداشتن. اما در حقیقت تضاد

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۲.

و تعـارض غیر قابـل جمعی در کـار نیست. یک راه باریک و ظریف وجود دارد که زن اگر از آن راه برود، هر دو نقش را در آنِ واحـد می توانـد ایفا کنـد. آن راه باریک و ظریف همان است که بانوان ما در ده سال اخیر طی کرده انـد. ویژگی دخالت زن در انقلاب اسـلامی ایران در این است که زن مسـلمان ایرانی، در عین اینکه در صـحنه تاریـخ ظاهر شـد و مسـتقیم در کار سازندگی تاریخ با مرد شـرکت کرد، پشت جبهه را رها نکرد، حیا و عفاف و پوشـش لازم را از کف نداد، دورباش خویش و کرامت و عزت زنانه خویش را محفوظ داشت و خویشتن را مانند زن غربی و زن مدل پهلوی به ابتذال نکشانید».(۱)

به یقین، نقش غیرمسـتقیم زنـان در نهضت، تنها به روحیه گرفتن مردان از مشاهـده حضور زنان در صـحنه مبارزه محـدود نمی شود، بلکه این نقش در رفتارهای دیگری از زنان نیز نمود پیدا کرده است و آثار غیرمستقیم دیگری در پیشبرد انقلاب از خود به جای گذاشته است، از جمله:

الف) جلوگیری نکردن از حضور مردان در صحنه های پرخطر

اگر زن ها مانع حضور مردان خویش در صحنه های پرخطر انقلاب که هرآن امکان از دست رفتن و یا مجروح شدن عزیزی از آنها بود، می شدند، شاید مردان کمی جرئت و روحیه مبارزه را پیدا می کردند. این همکاری و جلوگیری نکردن، هم در سال هـای قبـل از انقلاب؛ یعنی در زمان مبارزه مخفی، در خانواده های مبارزان سیاسـی وجود داشت و هم در زمان مبارزات علنی در ایام انقلاب، به دیگر زنان کشور سرایت کرد و کمتر شاهد ممانعت زنی از حضور عزیزش در میدان مبارزه هستیم.

ب) تشویق شوهر و فرزندان به مبارزه

آنهـایی که آن سـال هـا را به یاد دارنـد، به درستی به خاطر می آورنـد که در آن دوران و همچنین در سال های جنگ نه تنها زنان مانع حضور مردانشان در صحنه نبودند، بلکه

۱- مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۶۴، ص ۴۵.

بیشتر آنها را به حضور در صحنه های مختلف انقلاب تشویق می کردند و خود را آماده پذیرش آسیب ها و پی آمدهای این حضور ساخته بودند.

ج) صبر و بردباری هنگام مصیبت و بلا

شاید بزرگ ترین و زیباترین نمود همراهی غیرمستقیم زنان در انقلاب اسلامی، تحمل و صبر غرورآفرین آنها هنگام رویارویی با مصیبت ها و استقامت در برابر ناملایمات حاصل از انقلاب و جنگ بود. ملت ما نمونه های بسیاری را به یاد دارد که مادران و همسران شهدا هنگام روبه رو شدن با خبر شهادت عزیزانشان یا در زمان مشاهده پیکر غرق به خون فرزندان، شوهران و برادرانشان، چگونه با استواری نه تنها خم به ابرو نیاوردند، بلکه دیگران را نیز از گریه منع می کردند و خواهان تبریک و تهنیت می شدند. که امام بارها با بیان نمونه هایی از این حقایق باشکوه، همگان را به این امر یادآور شده است:

«زن هایی که جوان های خودشان را دادند، افتخار بر این کردند که شهید دادیم و آن که یک پسر از او باقی مانده بود، باز می گفت این را هم اهدا می کنم».(۱)

«من گمان ندارم که در غیر محیط اسلامی، یک همچو مسائلی تحقق داشته باشد که پیرزن جوان مرده اظهار بکند که من جوانان دیگری دارم که آن را هم تقدیم اسلام می کنم».(۲)

«من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین نیروی هوایی تشکر می کنم که با روی گشاده و با روحیه قوی با من مواجه هستید و به مخالفین نهضت، با شجاعت و استقامت نمایش می دهید که شما شیرزنان مثل متعلقین شما شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و مجاهدت

۱- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۷۳.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر چهارم، ص۶۲.

حاضرید...».(۱)

انگیزه زنان از حضور در نهضت

انگیزه زنان از حضور در نهضت

در بررسی انگیزه زنان از حضور در مبارزه و انقلاب، امام رحمه اللهبا نفی هرگونه انگیزه های صنفی و مادی، تنها انگیزه های معنوی و الهی و انسانی را در این باره بیان می دارد:

۱. اسلام و قرآن، نه مقام و منصب

«خانم ها برای اینکه یک چیزی مثلاً دستشان بیاید، یک یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند، نمی آیند بیرون [تا]خودشان و بچه هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانم ها را آورده است بیرون و همدوش مردها، بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرد».(۲)

۲. عدل الهی و جمهوری اسلامی

«این همه زحمت که کشیدید شماها، خداوند همه تان را حفظ کند و این همه زن و مرد کشور و خصوصا این خانم ها که در صف اول در این نهضت و آن قدر زحمت کشیدند برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند. همه نظرشان این بود که یک جمهوری اسلامی، یک عدل الهی پیدا بشود».(۳)

۳. زنده کردن اسلام

«شما زحمت کشیدید. زن و مرد زحمت کشید. به خیابان ها ریخت، جورها کشید، خون ها داد که اسلام را زنده کند. برای اسلام خون داد. برای شهادت داوطلب شد. آن که می خواست ملت ما، آن که به او رأی داد ملت ما، جمهوری اسلامی بود. اسلام مورد نظر بود».(۴)

۱- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۵.

۲- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۷۳.

۳- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۷۶.

۴- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۸۰.

۴. قیام برای خدا

«شما بانوان محترم برای خدا قیام کرده اید و برای خدا در این قیام پایدار هستید و آسیب نخواهید دید».(۱)

ویژگی های زنان حاضر در انقلاب

اشاره

ویژگی های زنان حاضر در انقلاب

امام در هنگام بیان و یادآوری حضور زنان در انقلاب، معمولاً از این زنان، با ویژگی ها و صفات خاصی یاد می کند که در عین حکایت از توجه و عنایت خاص ایشان به این ویژگی های ارزشی، می تواند تأمل برانگیز و آموزنده نیز باشد. برخی از این ویژگی ها عبارت است از:

۱. حجاب زنان انقلاب

۱. حجاب زنان انقلاب

«ملتی که حتی بانوان محترمه اش با تظاهرات محجوبانه، بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می کنند، پیروز است».(۲)

«همین خانم های محجبّه، همین ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیش قدم بودند...».(۳)

حجاب به ویژه چادر، که در مجموعه نمادهای اسلامی، یک نماد فرهنگی محسوب می شود، در زمان رژیم سابق به ویژه در ایام مبارزات، به عنوان یک نماد سیاسی منفی علیه رژیم شاه استفاده می شد. شاید تأکید حضرت امام رحمه الله بر این امر و نسبت دادن زنان انقلابی به این صفت نیز از همین امر سرچشمه گرفته باشد. چه بسا امام با پررنگ کردن مسئله حجاب زنان مسلمان در انقلاب ــ هرچند که حضور زنان غیرمحجبه را نیز در صحنه های مبارزه انکار نمی کرده ــ خواستار تفهیم این مهم باشد که تنها حضور آن دسته از زنان در عرصه های اجتماعی، از جمله عرصه های سیاسی و مبارزه، برای ایشان

۱- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۹۲.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۶.

۳- در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص۸۴ .

پذیرفته است که آراسته به زیور حجاب و آمیخته با حیا و عفت اسلامی باشد. به یقین، مسئله حضور زن مسلمان در حساس ترین صحنه های اجتماع آن هم با حجاب کامل اسلامی، یکی از مهم ترین دستاوردهای فرهنگی و سیاسی انقلاب بود. همان حجابی که تا قبل از آن به عنوان عامل بدبختی و رکود و عقب افتادگی زن معرفی می شد و امام با انقلاب خود و کشاندن زنان مسلمان باحجاب به عرصه های اجتماعی، باطل بودن آن را ثابت کرد.

۲. زنان طبقه محروم

۲. زنان طبقه محروم

از دیگر ویژگی های مورد تأکید امام در معرفی زنان حاضر در انقلاب، محرومیت و مرفّه نبودن آنان است. امام با آوردن تعبیرهایی چون «زنان جنوب شهر» و «زنان طبقه محروم»، از این زنان یاد می کند. به طور کلی، امام انقلاب را متعلق به طبقه محروم، و قشر پابرهنه می دانست و آن را برای مردم و مسئولان نوعی ارزش می شمرد.

بر اساس تفکر امام رحمه الله، ثروتمندان و به تعبیر ایشان مرفهین بی درد، در انقلاب یا نقشی نداشتند و یا از کمترین سهم برخوردار بودند، بلکه برعکس، بیشترین نفرات صف مخالفان و دشمنان انقلاب را همین مرفهان بی درد تشکیل می دهند. امام با تأکید بر صفت محروم بودن زنان و مردان حاضر در انقلاب، ضمن معرفی طبقات محروم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب، در عمل با رواج تفکر رفاه طلبی مقابله کرد و با هرگونه ارزش گذاری مادی مخالفت می کرد:

«اینهایی که در خیابان ها ریختند و با صدای «اللّه اکبر» و با مشت فشرده و با ایمان، اعتنا به قدرت های شیطانی نکردند، همین زن های محترم بودند که از طبقه محروم در آن رژیم بودند. اینها بودند که توانستند این قدرت شیطانی را بشکنند و این سد را خرد کنند و اینها هستند که از این به بعد باز تکلیف دارند. یعنی همه تکلیف داریم».(۱)

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۰.

«... بانوان را در این نهضت پیش قدم می دانم و کرار گفته ام که بانوان حق بیشتری بر اسلام دارند به خصوص بانوان جنوب شهر تهران انگیزه قیام اسلامی هستند و راهنمای سایر اقشار... ».(۱)

«تاریخ دور است. ما خود دیدیم که چه زن هایی تربیت کرده است اسلام، چه زن هایی در این عصر اخیر قیام کردند و آنها که قیام کردند، همین زن های محجوبه جنوب شهر، قم و سایر بلاد اسلامی بودند».(۲)

۳. زنان بچه به بغل

۳. زنان بچه به بغل

از نکته های جالبی که امام رحمه الله همیشه در توصیف زنان انقلابی بدان اشاره می کرد، حضور این زنان به همراه بچه هایشان در تظاهرات و مبارزات سیاسی بود. حضرت امام خمینی رحمه اللهبارها بر فراوانی این مسئله تأکید کرده است که این، حکایت از عنایت ویژه ایشان به روحیه مادری و حفظ این روحیه در زنان، حتی در ایام مبارزات دارد. امام به عنوان رهبر انقلاب، هیچ گاه حاضر نبود که ارزشی فدای ارزش دیگر شود. ازاین رو، نمی خواست که ارزش انقلابی بودن و حضور در صحنه، ارزش مادری زنان را فدا کند یا تحت الشعاع قرار دهد. مسئله ای انحرافی که گریبان گیر بسیاری از جریان های سیاسی و انقلابی معاصر است، این است که یا زنان به دلیل سمت مادری، کمتر در صحنه های سیاسی و انقلابی وارد می شوند یا زنانی که در این عرصه ها وارد می شوند، مسئولیت مادری را کنار می گذارند و با آن وداع می کنند. پدیده ای که در سال های اخیر در سازمان مجاهدین خلق به شکلی افراطی و زننده به چشم می خورد. سرکردگان این گروهک به بهانه فعالیت هرچه بیشتر زنان در سازمان، نه تنها تشکیل و تداوم زندگی خانوادگی را امری ضد ارزشی معرفی کردند، بلکه با اجرای پروسه ای با عنوان «طلاق ایدئولوژیک و انقلابی»، برای نابودی خانواده و تعطیل عواطف انسانی و مادری،

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۵.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۹.

گـام هـای عملی ویرانگری برداشـته انـد. این پدیـده ای است که نمود دیگر آن را در غرب و کشورهـای غربی شاهـد هستیم؛ یعنی همان که در آنجا به بهانه کشاندن زنان به اجتماع، تیر خلاص را به بنیان خانواده و عواطف مادری زده اند. حضرت امام رحمه اللهبا وجود تأکیـد بر حضور زنان در انقلاب و عرصه های اجتماع، نه تنها هیچ گاه مسـئولیت مادری آنها را از یاد نبرد، بلکه همواره می کوشید این مهم به فراموشی سپرده نشود. ازاین رو، می بینیم که ایشان با لطافت و عنایتی خاص به بعد مادری زنان حاضـر در صحنه های انقلاب اشاره می کند و با تعبیرهای زیبایی همچون «مادران بچه به بغل»، به توصیف این ویژگی و ارزش والا می پردازد:

«زن ها هم بچه هایشان را بغل می کردند می آمدند بیرون».(۱)

«شـما در چه تـاریخی چنین دیـده ایـد؟ امروز زن هـای شـیردل طفـل خود را [به] آغوش کشـیده و به میـدان مسـلسل و تانک دژخیمان رژیم می روند، در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است».(۲)

«زن ها هم بچه های کوچکشان را به آغوش و اگر دو تا بود، یکی اش هم دسـتش را می گرفتند و وارد می شدند و تظاهرات و در مقابل این توپ و تانک و امثال اینها».(۳)

نقش بانوان در دفاع مقدس

نقش بانوان در دفاع مقدس

گرچه در بحث هـای گذشـته به بخشـی از فعـالیت زنـان مسـلمان در دفـاع مقـدس اشـاره شـده است ولی به جهت اهمیت این موضوع، در اینجا به طور مستقل بررسی می کنیم.

به یقین، جنگ تحمیلی یکی از مهم ترین رویدادها پس از پیروزی انقلاب اسـلامی ایران به شـمار می آید. زمان نسبتا طولانی و ابعـاد گسترده دفـاع هشت ساله ملت در برابر تجاوز بعثیان، زمینه ساز درگیر شـدن تمام ملت و کشور با مسئله جنگ شـد و شرایط

۱- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۰.

۲- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۶.

۳- تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۲.

مساعدی برای محک خوردن اقشار مختلف مردم در رویارویی با مسائل اجتماعی را فراهم آورد. با توجه به این ویژگی و همچنین سخنان فراوان حضرت امام رحمه الله در مورد این واقعه مهم پس از انقلاب، بررسی دیدگاه ایشان درباره نقش زنان در جنگ تحمیلی، یکی از راه های مناسب و اطمینان بخش برای تبیین نگرش امام رحمه الله نسبت به زنان و موقعیت اجتماعی به شمار می آید.

واقعیت این است که زنان قهرمان ایران در طول این هشت سال، در هر زمینه از فعالیت های مورد نیاز جبهه حضور چشم گیر و دلاورانه ای داشتند و افزون بر نقش بسزایی که در امور پشت جبهه ایفا کردند، برای آنکه بتوانند در مواقع ضروری به حمایت از اسلام بپردازند، آموزش های نظامی را نیز آموختند. حضرت امام رحمه الله بر آن نکته صحه گذاشته است و آن را سبب مباهات و افتخار ملت معرفی می کند:

«ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است، شرکت و از محرومیت هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنهایی که بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به وجود آورده بودند، خارج نموده اند و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر. می دانند آنچه به دست آورده اند، بالاتر از جنّات نعیم است چه

رسد به متاع ناچیز دنیا».(۱)

در این میان، روحیه شهادت طلبی، صبر بر مصیبت عزیزان و تشویق فرزندان، همسران و برادران به حضور در جبهه، بیشترین تأثیر را در روحیه رزمندگان می گذاشت. همین مسائل سبب شد صحنه هایی بی همتا و استثنایی از یک ملت در حال دفاع به تصویر کشیده شود و آنان را جاودانه سازد. حضرت امام رحمه اللهدر یکی از سخنرانی های خود می فرماید:

«یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش در تهران داشتیم، آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند، بعد آن زن یک کاغذی به من داد، خواندم. دیدم نوشته است دعا کنید من شهید بشوم. زنی که تازه عروسی و شوهر کرده است، حاضر شده است تا شهید بشود. یک ملتی که شهادت را می طلبند و دعا می خوانند برای شهادت، آیا اینها از دخالت نظامی می ترسند؟ اینها از حصر اقتصادی می ترسند؟»(۲)

«و در کجا در لابلای تاریخ همچون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی، باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیش قدم می شوند».(۳)

«ما خاکیان، ناتوان از عهده تعظیم و تقدیر مادران بزرگواری که در دامن خود این جوانان متعهد را پرورانده اند و پدران سلحشوری که در پناه خویش آنان را به جوانی رسانده اند و همسران غمخواری که در کنار آنها به سر برده اند و اکنون با روی گشاده به میدان نبرد و دفاع از حق می فرستند، می باشیم».(۴)

افزون بر اینها، زنان نقش بسیار مؤثری در تدارک و تجهیز جبهه ها و رزمندگان

۱- همان، ج ۲۱، ص ۱۷۲.

۲- همان، ج ۱۲، ص ۱۳۸.

۳- همان، ج ۱۸، ص ۲۳۰.

۴- همان، ج ۱۸، ص ۱۲۳.

داشتند:

«من وقتی که در تلویزیون می بینم که یک گروه هایی، زن های یک بلدی نشسته اند و برای این جوان هایی که در جبهه مشغول هستند، با کمال جدیت دارند بسته بندی می کنند، دارند نان می پزند، دارند بسته ها را درست می کنند، من خجالت می کشم که ما چه هستیم و اینها چه هستند. شما در تاریخ نگاه کنید، از صدر تاریخ تا آخر، اگر پیدا کردید یک جایی را که زن ها و زن های جوانی که حالا باید فرض کنید که بروند سراغ جوانی شان و پیرمردش، پیرزنش این طور کوشش می کند در اینکه پشتیبانی از ارتش بکند، پشتیبانی از پاسدارهایش بکند، شما کجا سراغ دارید؟ بگویید ما هم بفهمیم».(۱)

«الان شما می بینید سرتاسر مملکت ما در حال جنگ اند. دخترها توی خانه هایشان هم در حال جنگ اند. برای جنگی ها دارند کار می کنند».(۲)

«شما بانوان در پشت جبهه آن فعالیتی را می کنید که آن سلحشوران در جبهه ها و همان طوری که آنها مشغول هستند، شما مشغول فعالیت هستید».(۳)

کمک های مالی زنان نیز از جمله مواردی بود که همواره امام نسبت آن توجه داشت. ایشان مراتب قدردانی خود را از کوشش های مالی زنان همیشه اعلام می کرد و سهم این کمک ها را در تجهیز جبهه ها و تقویت روحیه رزمندگان بسیار مؤثر می دانست:

«زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده، همدوش مردان، بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کردند و هم مجاهدات مالی».(۴)

«مبلغ بسیار ارزنده از خانم های معظم عراقی که خداوند به آنها هرچه بیشتر توفیق

۱- همان، ج ۱۳، ص ۱۳۴.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۱۴۵.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

۴- همان، ج ۶، ص ۱۳۷.

خدمت به اسلام و رزمندگان عزیزی که برای رفع شر قدرت ها و وابستگان پست آنها جان فشانی می کنند، واصل شد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواهانم».(۱)

به عنوان حسن ختام، فرازهای دیگری از سخنان حضرت امام رحمه الله را بیان می داریم که نشان دهنده صبر و استقامت زنان مسلمان در سختی های دوران جنگ و همچنین نقش اساسی ایشان در تداوم حرکت انقلاب اسلامی است:

«زنان و مردان و کودکان نمونه ای که در زیر بمباران ها و از بستر بیمارستان ها سرود شهادت سر می دهند و با دست و پای قطع شده، بازگشت به جبهه های انسان ساز را آرزو می کنند، فوق آنچه ما تصور می کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر درمی آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می کنند، می باشند».(۲)

«من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین هوایی تشکر می کنم که با روی گشاده و با روحیه قوی با این مواجه هستید و به مخالفین نهضت با شجاعت و استقامت نمایش می دهید که شما بیشتر زنان مثل متعلقین شما شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و مجاهدت حاضرید... من از شما بانوان محترم و بازماندگان شهدا، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و همه بازماندگان شهدا در هر کجا هستند، تشکر می کنم که چنین روحیه قوی ای دارید که باز در مقابل همه توطئه ها ایستاده اید و سخن می گویید و مقاله می خوانید [و] مردم را دعوت به حیات می کنید».(۳)

«خداوندا! اگر هیچ کس نداند، تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دین تو قیام کرده ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو، در مقابل شرق و غرب ایستاده ایم و در پیمودن این راه، لحظه ای درنگ نمی کنیم. خداوندا! تو می دانی که

۱- همان، ج ۲۰، ص ۱۶۶.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۱۱۹.

۳- همان، ج ۱۳، ص ۲۳۹.

فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین تو به شهادت می رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای تو بال و پر می کشند».(۱)

«و مبارک باد بر خانواده های عزیز شهدا، مفقودین و اسرا و جانبازان و بر ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایمردی خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته اند که نه تهدید ابرقدرت ها آنان را به هراس می افکند و نه از محاصره ها و کمبودها به فغان می آیند و نه از خیانت و وحشی گری صدام دیوانه و افسار گسیخته رو به زوال، در زدن شهرها و ویران کردن خانه ها و مساجد و بیمارستان ها و مدارس خم به ابرو می آورند و چون گذشته به راه خود که همان راه اسلام عزیز و عزت و شرف و انسانیت است، ادامه می دهند و زندگی باعزت را در خیمه مقاومت [و] صبر بر حضور در کاخ های ذلت و نوکری ابرقدرت ها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می دهند و من افتخار می کنم که در میان شما و در کنار شما هستم و در غم و مصیبت های شما که مصیبت اسلام و مسلمین است، شریک می باشم».(۲)

۱- همان، ج ۲۰، ص ۱۳۳.

۲- همان، ج ۲۰، ص ۵۹ و ۶۰.

فصل دوم: جایگاه اجتماعی زن

اشاره

فصل دوم: جایگاه اجتماعی زن

ارزیابی دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله درباره زنان و تحول بنیادی و گسترده ای که در این زمینه به وجود آورد، مسئله بسیار مهمی است که با وجود کارهای انجام گرفته، باز هم نیازمند کار بیشتر و عمیق تر است. در واقع، حضرت امام رحمه الله با بهره گرفتن از سرچشمه زلال معارف اسلامی و تفقه و تأمل ژرف در منابع اصیل اسلامی، هویت واقعی زن را آشکار ساخت و زمینه آزادی و رهایی او را در عصر حاضر فراهم آورد. باید توجه داشت که حضرت امام رحمه اللهدر روزگاری به یاری و حمایت از زن برخاست که زنان یا در اسارت جاهلیت قدیم و در قید و بند تحجر و خرافات گرفتار بودند یا در اسارت جاهلیت جدید که غرب برای آنها ساخته و پرداخته کرده بود، دست و پا می زدند.

به جرئت می توان ادعا کرد که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیه السلام، تاکنون در اندیشه و کلام هیچ یک از مصلحان اجتماعی یا رهبران سیاسی و مذهبی بر شخصیت زن این مقدار که در اندیشه و کلام امام رحمه اللهمورد تکریم و احترام واقع شده، تأکید نشده است. اگر اسلام راستین در پی ظهور خود، به اکرام و ارزش نهادن به منزلت و شخصیت زن در جاهلیت قدیم پرداخت، در عصر حاضر نیز امام رحمه الله به عنوان احیاگر دین، با اقتدا به اندیشه مترقی اسلام، بار دیگر در جاهلیت جدید، ارزش های والای زن را زنده و جایگاه واقعی او را تبیین کرد.

امام خمینی رحمه الله زن را صاحب توانایی ها و ویژگی های مثبت فراوانی می داند که اگر به خوبی شناسایی و به کار گرفته شود، تأثیر بسزایی در تحولات اجتماعی از خود بر جای خواهد گذاشت. تلاش امام رحمه الله در تمام دوران مبارزه، انقلاب، جنگ و سازندگی بر این اساس استوار بود که زنان را با توانایی ها و شایستگی های خدادادی شان آشنا سازد تا با برگرداندن نگاه ها به توانایی های زن، از یک سو اعتماد به نفس لازم را در جامعه زنان زنده کند. از دیگر سو، با اصلاح برداشت جامعه از زن و

استعدادهای او، جایگاه لازم را برای حضور سازنده بانوان در صحنه های مختلف اجتماعی فراهم آورد.

پیشینه تاریخی وضعیت زنان

پیشینه تاریخی وضعیت زنان

امام رحمه الله در توصیف و تحلیل وضعیت زن امروز، تصویری نقادانه از زن در جهان امروز و پیش از انقلاب اسلامی و نیز تصویری از زن در نهضت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ارائه داد. در واقع، امام رحمه الله برای تبیین جایگاه و ممتاز زن از دیدگاه اسلام و آنچه انقلاب اسلامی در عصر حاضر برای زن به ارمغان آورده است، به طور مشخص و مؤکد، بر شناخت پیشینه تاریخی وضعیت زنان اصرار می ورزید. ایشان با بیان وضعیت سیاسی زنان پیش از انقلاب اسلامی می فرماید: «مع الاسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت مظلوم بود و اسلام منّت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت، بیرون کشید و مرحله جاهلیت، مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات، بلکه پایین تر از او [می دانستند.] اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر در ایران زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. به اسم اینکه زن را می خواهند آزاد کنند، ظلم ها کردند به زن. زن را از مقام شرافت و عزت که داشت، پایین کشیدند.(۱) پنجاه سال جنایت آن هم با فریاد عدالت اجتماعی، پنجاه سال اختناق آن هم با فریاد آزادی زنان و آزادی مردان».(۲)

امام رحمه الله با تأکید بر بعد فرهنگی حضور زن در جامعه، در تحلیل وضعیت زنان در جهان امروز و پیش از انقلاب، به مظلومیتی که از این ناحیه بر زنان وارد آمده بود، اشاره می کند. ایشان دلیل این امر را دوری زنان از فرهنگ ناب اسلامی به دلیل حضور غالب فرهنگ غربی و نیز برنامه ها و اقدامات رژیم شاه می داند و می فرماید: «زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت، پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت،

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵.

۲- صحیفه نور، ج ۵، ص ۹۰.

تهی کردند. زن ها و جوانان ما را فاسدالاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که می گفت زن باید فریبا باشد. البته با آن نظر حیوانی که او داشت، با آن نظر جسمانی، مادی، حیوانی پست که او داشت زن را نظر می کرد، باید فریبا باشد! از مقام انسانیت زن را فرو کشید به مرتبه یک حیوان. به اسم اینکه برای زن می خواهد مقام درست کند، زن را از مقام خودش پایین تر آورد. زن را مثل یک عروسک درست کرد».(۱)

انحطاط فرهنگی زنان در رژیم سابق، از دید امام رحمه الله تا جایی بود که ایشان آن را با مظلومیت زن در عصر جاهلیت مقایسه کرده است، بلکه جاهلیت جدید را بدتر و دردناک تر از آن می دانست:

«زن در زمان محمدرضا و رضا پهلوی عنصر مظلومی بود و خودش نمی داند. آن قدر که ظلم در این دو زمان شد، در زمان جاهلیت معلوم نیست شده باشد. آن قدر که انحطاط برای زن ها در این قرن شد، معلوم نیست که در قرن جاهلیت شده باشد».(۲)

همان گونه که از فرازهای بیان شده و نیز دیگر سخنان حضرت امام خمینی رحمه الله برمی آید، ایشان وضعیت زنان در جهان امروز و پیش از انقلاب اسلامی را بسیار دردناک و مظلومانه یافته بود و تنها راه نجات زن از این منجلاب را روی آوردن به اسلام و احیای دوباره فرهنگ ناب اسلامی می دانست. ازاین رو، پس از اشاره به وضعیت زن در قرن جاهلیت و عصر جدید، می فرماید: «در هر دو قرن (قرن جاهلیت و قرن حاضر)، مظلوم بوده اند زن ها. آن وقت اسلام آنها را از اسارت بیرون آورد و در این زمان هم امیدوارم که اسلام باز دست آنها را بگیرد و از غرقاب ذلت ها و مظلومیت ها نجات بدهد».

سپس بانوان را مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید:

«ای زن های محترم! بیدار شوید، توجه کنید، بازی نخورید... به اسلام

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۶.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۶.

بیاورید. اسلام برای شما سعادت ایجاد می کند».(۱)

توجه ویژه اسلام به زن

توجه ویژه اسلام به زن

حضرت امام خمینی رحمه الله با درک عمیق این نکته که بخش بزرگی از مظلومیت زن و دور ماندن او از هویت انسانی خویش ناشی از پنهان ماندن حقیقت آموزه های دین درباره زنان است، بخش بسیاری از سخنان خود را به تبیین شخصیت و موقعیت زن از نظر اسلام اختصاص می دهد. اهمیت روشنگری حضرت امام رحمه اللهدر این باره، زمانی روشن می شود که در نظر داشته باشیم افزون بر تبلیغات منفی رژیم سابق در مورد اسلام و دیدگاه آن نسبت به زنان، بخش قابل توجهی از جامعه دین داران، به خاطر برداشت های نادرست و متأثر از باورهای غلط فرهنگی، موقعیتی ضعیف و فرودست را برای زنان در نظر می گرفتند.

در هر حال، حضرت امام رحمه الله بار دیگر منادی نجات و رهایی زن از ستم هایی شد که به ناحق بر او روا می داشتند و ایشان به حق توانست کرامت و شخصیت از دست رفته زن را به وی باز گردان ه و بدین ترتیب، نگرش عمیق و انسانی اسلام نسبت به زن را به چشم و گوش جهانیان برساند. در این بخش، فرازهایی از سخنان ایشان را در این باره از نظر می گذرانیم.

«اسلام نظر خاص به شما بانوان دارد. اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند. اسلام آنها را سربلند و سرافراز کرد. اسلام آنها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد... مقام زن مقام والاست. عالی رتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند».(۲)

به سبب نحوه نگرش ایشان نسبت به مقام زن است که دستور آزادی زنان به

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۶.

۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳.

اسارت درآمده در لانه جاسوسی را صادر می کند و در پاسخ خبرنگاری که از ایشان پرسید در قبال آزادی زنان و سیاه پوستان، چه انتظاری از دولت امریکا دارید، می فرمود:

«ما آزادی زن ها را ... برای این قائل شدیم که زن ها در اسلام یک احترام ویژه دارند».(۱)

بدین ترتیب، امام رحمه الله نشان می دهد که زن از دیدگاه اسلام در تمام شئون انسانی با مرد برابر و حتی از عزت و احترام ویژه ای برخوردار است تا جایی که زن را مظهر تحقق آمال بشر معرفی می کند:

«زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان ها پیدا می شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است...».(۲)

«زن مظهر تحقق آمال بشر است... از دامن زن، مرد به معراج می رود».(۳)

آن رهبر فرزانه رحمه الله برای شخصیت زن جایگاه ویژه ای قائل می شد و نمونه انسان کامل را در وجود مبارک حضرت زهرا علیهاالسلام می دید:

«تمام ابعادی که برای زن متصوّر است و برای یک انسان متصوّر است، در فاطمه زهرا علیهاالسلام جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن... . او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. زنی که تمام خاصه های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود. زنی که اگر مرد بود، به جای رسول اللّه صلی الله علیه و آلهبود».(۴)

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۶.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۹۴.

۴- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵.

حضـرت امـام رحمه الله شخصـیت فردی زن را به عنوان موجودی ثـانوی قلمـداد نمی کنـد و در مقایسه با مرد هیـچ گاه شأنی پـایین تر برای او قائـل نمی شـود. ایشـان معتقـد بود شخصـیت زن اگر بالاـتر از مرد نباشـد، دست کم برابر است و مردان هیچ برتری و منزلتی بر زنان ندارنـد. اگر هم تفاوتی در احکام وجود دارد، به دلیل نقش متفاوتی است که در نظام خلقت بر عهـده هر یک گذاشته شده است و این تفاوت، دلیل برتری یکی بر دیگری نیست:

«تاریخ اسـلام گواه احترامات بی حد رسول خدا صـلی الله علیه و آله به این مولود شـریف (حضـرت زهرا علیهاالسلام) است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست».(۱)

«یـک احکـام خاص به مرد است که مناسب با مرد است، یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این، نه این اسـت که اسـلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه ــ عرض می کنم ــ رأی بدهنـد، رأی بگیرنـد. اینکه مخالفند، این است که این طوری که اینها زن را می خواهند بار بیاورند که یک ملعبه ای در دست مردها باشـد و به قول شاه، «زن خوب است فریبا باشد!» ما می خواهیم این کلام را بگیریم. این غلط را بگیریم. ما می خواهیم زن آدم باشد، مثل سایر آدم ها. انسان باشد مثل سایر انسان ها. آزاد باشد مثل سایر آزادها».(۲)

همـان گونه که ملاحظه می شود، امام رحمه الله با وجود اینکه زن را در شـئون انسانی و حقوق اجتماعی با مرد برابر می دانـد، ولی تفاوت های جنسـی او با مرد را نیز تأیید می کند و تفاوت احکام و دسـتورهای اسـلام درباره زن و مرد ــ در برخی موارد ــ را به سبب ویژگی های آنها و متناسب با شرایط هر کدام می داند.

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۰۱.

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۶۰.

نقش اجتماعی زن از نظر اسلام

اشاره

نقش اجتماعی زن از نظر اسلام

نوع نگرشی که حضرت امام رحمه الله بر اساس دست مایه خویش از فرهنگ اسلام ناب به زن و جایگاه انسانی او دارد، سبب می شود زن را در منزلت اجتماعی و مشارکت و حضور در صحنه جامعه، هم پا و هم رتبه مرد معرفی کند و در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، خواستار نقش آفرینی شایسته و درخور بانوان محترم باشد:

«این حرف ها و این شعرها و این چیزهایی که در خارج درست کردند، اینها خوف این است که یک وقت خدای نخواسته بعضی جوان های ما هم به اشتباه بیفتند که مبادا یک همچنین چیزی بشود. مبادا یک وقتی اسلام بیاید، در خانه را روی زن ها ببندد، قفلش کند که دیگر بیرون نیایند از خانه. زن ها در صدر اسلام توی میدان ها می رفتند. در همین جنگ های اسلامی توی میدان ها می رفتند برای پرستاری [این چیزها]، اینهایی که کشته می شدند آنجا. زن ها در محفظه بمانند! چه کسی چنین چیزی به شما گفته است که باید این طور باشد؟ آنها آزادند مثل مردها...».(۱)

«در خصوص زنان، اسلام هیچ گاه مخالف آزادی آنها نبوده است، بلکه به عکس اسلام با مفهوم زن شیئی شده و به عنوان شی ء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت وی را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت های خود را انتخاب کند، اما رژیم شاه است که با غرق کردن آنها در امور خلاف اخلاق می کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند و اسلام شدیدا معترض به این امر است».(۲)

حضرت امام رحمه الله در موارد بسیاری به اهمیت و ضرورت مشارکت زنان در صحنه های گوناگون اجتماع نیز اشاره داشته است، ولی از آنجا که بخش بسیاری از تبلیغات منفی دشمنان بر ضد انقلاب اسلامی بر روی همین مسئله متمرکز بوده است،

۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۸۱.

۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۴.

در اینجا به چند مورد از سخنانی که امام رحمه الله در پاسخ به پرسش خبرنگاران خارجی ایراد فرموده است، بسنده می کنیم:

پرسش: تشیّع در نظر کشورهای غربی به عنوان عنصری محافظه کار در پیشرفت قلمداد شده است. همچنین ما خواست های شیعیان را مبنی بر کناره گیری زنان از صحنه زندگی اجتماعی و نیز بازگشت به قوانین شیعی که می خواهد سنت مذهبی، مبنای قوانین حکومتی قرار بگیرد، همان طوری که در قانون اساسی که به طور غیرقانونی به صورت از بین رفته درآمده نیز ذکر شده است، شنیده ایم. ما همچنین شنیده ایم که تشیع، سبک زندگی غربی را برای اینکه با سنت های مذهبی توافق ندارد، رد می کند. آیا ممکن است شما نظر خود را درباره این مسئله بر اساس مذهب تشیع بیان کنید؟

پاسخ: تشیع که مکتبی است انقلابی و ادامه اسلام راستین پیامبر است، همچون خود شیعیان همیشه مورد حملات ناجوان مردانه مستبدین و استعمارگران بوده است. تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می دهد. ما پیشرفت های دنیای غرب را می پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنها از آن ناله می کنند، نه!».(۱)

پرسش: در مورد مسائل اجتماعی، حضرت آیت الله حضور زنان را در دانشگاه و یا کار کردن آنان را در جامعه چگونه می بینید؟ و آیا برای آنها محدودیت هایی قائل می شوند که الان در جامعه کنونی وجود ندارد؟ نظر حضرت عالی در مورد کنترل موالید و یا تحصیل زنان و مردان در دانشگاه به صورت مخلوط چیست؟

پاسخ: زنان جامعه اسلامی آزادند و از رفتن به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی شود. از آن چیزی که جلوگیری می شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو است. راجع به موالید، تابع آن

۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۵۸.

است که حکومت چه تصمیمی بگیرد».(۱)

پرسش: موقعیت زنان در دولت آینده شما چگونه خواهد بود؟

پاسخ: موقعیت یک انسان صحیح و یک شخصیت آزاد، به خلاف این زمانی که بر ما گذشت که نه زن های ما آزاد بودند و نه مردهای ما. ملتی که زن و مرد آن آزاد نبود و در خفقان بود، از زیر بار بیرون آمد و از این به بعد زن ها و مردها آمدند، ولی اگر چنانچه بخواهند کارهای خلاف عفت بکنند یا خلاف مصلحت مملکت بکنند، البته جلوگیری خواهد شد».(۲)

پرسش: زنان، توده عظیمی از مسلمانان را تشکیل می دهند. چه نقشی و چه حقی شما برای زن در نظام اسلامی قائل هستید؟

پاسخ: هم اکنون زنان مسلمان ایران در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند. به من اطلاع داده اند که در شهرهای ایران، زنان جلسات سیاسی دارند. در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لیکن هم در مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می آفریند، حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی شان محفوظ باشد. اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد. اینکه در خارج منعکس کرده اند که در اسلام با زن ها با خشونت رفتار می شود، امر غیرصحیحی است و تبلیغات باطلی است که از مغرضین حاصل شده والّا مرد و زن هر دوشان در اسلام اختیارات دارند. اگر اختلافاتی هست، برای هر دو هست و آن، مربوط به طبیعت آنان است».(۳)

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۹.

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۴.

۳- صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۳.

بر اساس آنچه تاکنون از حضرت امام رحمه الله بیان کردیم، جای هیچ شکی باقی نمی ماند که حضرت امام رحمه الله بر مبنای دریافت و فهم عمیق خویش از اسلام، هویتی انسانی و جایگاهی رفیع و بلند را برای زن ترسیم کرد.

اینک دیدگاه های ایشان را درباره پایگاه و نقش مطلوب اجتماعی زن مسلمان در سه بخش فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مرور می کنیم و در پایان، تبیین و توصیفی را که ایشان از نقش بانوان در انقلاب و جنگ تحمیلی داشته اند، بررسی می کنیم.

۱. نقش فرهنگی زن مسلمان

اشاره

۱. نقش فرهنگی زن مسلمان

نقش فرهنگی زن از نظر امام رحمه الله در دو سطح «جامعه کلان» و «خانواده» قابل بررسی است. با اشاره به این نکته که منظور از نقش فرهنگی زن؛ عبارت است از ورود او درعرصه علم و دانش و آموزش و تحصیل در رشته های مختلف علمی و نیز انجام وظیفه تربیت و پرورش و التزام به مقولات اخلاقی و همچنین حفظ جایگاه مادری و همسری. با توجه به این مقوله به بیان فرازهایی از سخنان حضرت امام رحمه الله در دو سطح می پردازیم.

الف) نقش فرهنگی زنان در سطح جامعه

الف) نقش فرهنگی زنان در سطح جامعه

یک _ حضور زن مسلمان در عرصه دانش و اندیشه

امام رحمه الله در سخنان خویش خطاب به بانوان، بر ضرورت پرداختن به امر تعلیم و تربیت در سطوح مختلف و نیز تحصیل و تعلم زنان در زمینه های مختلف، مانند علوم تجربی، صنعت، فرهنگ و ادب، عرفان، فلسفه، فقه، علوم قرآنی و به طور کلی تمامی حوزه های علوم انسانی بشری تأکید ورزیده است. در مورد بر مسئولیت زن مسلمان در زمینه کسب دانش و اندیشه در همه سطوح نیز توصیف ها و سفارش های فراوانی دارد:(۱)

«شما خانم ها همان طور که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید و من امیدوارم که خداوند

۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۴۴ و ج ۹، ص ۴۶ و ج ۱۴، ص ۲۰۱.

به همه شما توفیق عنایت کند و در این سنگر هم پیشروی کنید».(۱)

«و بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود، رها شد. امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند. الان بانوان جزو طلاب علوم دینیه در قم و در جای دیگر هستند و خودشان در هر جا هستند، مشغول تربیت و تعلیم هستند و این، یک امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد. آن وقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودند که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشوند و رساله علمی بگویند و مسئله عقیدتی بگویند. امروز اینها می توانند با همه حفظ جهات اسلام، در همه جای کشور تبلیغات بکنند، بلکه در خارج از کشور هم».(۲)

«در طایفه نسوان، شما ملاحظه کنید، آن وقت چه خبر بود، حالا چه خبر است. زن های ما حالا مکتبی شده اند. سرتاسر کشور ما جوری هستند که همان طور که جوان ها در جبهه دارند خدمت می کنند، اینها پشت جبهه شان محکم است و دارند خدمت می کنند. علاوه بر اینکه مجالس درس دارند، مجالس قرائت دارند، مجالس تدریس دارند، حتی تدریس خارج من شنیدم بعضی از زن ها در جایی می گویند».(۳)

توجهی که حضرت امام رحمه الله به حضور زن مسلمان در عرصه دانش و اندیشه دارد، بدین سبب است که در اندیشه ایشان، تحصیل دانش، افزون بر اینکه به مردان اختصاص ندارد، به عنوان عامل تحرک زا و سازنده در رشد فکری و حضور مؤثر زنان در جامعه، نقش مؤثری ایفا می کند. این اندیشه، آشکارا در یکی از احکامی که برای انتخاب هیئت مؤسس مؤسسه آموزش علوم اسلامی برای بانوان در قم صادر فرموده است، ثبت و ضبط شده است:

«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. از آنجا که علوم مطلقا، خصوصا علوم اسلامی،

۱- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۱.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۹.

۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۰۹.

اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می توانند حتی در فعالیت های اجتماعی و سیاسی خدمت های ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند و اکنون بحمدالله تعالی مؤسسه ای در شهر مقدس قم، شهر علم و جهاد، برای تعلیم و تربیت بانوان محترم در دست ساختمان است و امید است با کوشش علمای اعلام و مدرسین حوزه علمیه قم ــ دامت برکاتهم ــ این مقصد اسلامی جامه عمل پوشد و در رشد فکری و شکوفا شدن دانش اسلامی بانوان قدم مؤثری باشد...، امید است با تأیید خداوند متعال و دعای حضرت بقیه اللّه ــ ارواحنا لمقدمه الفداء ــ این مؤسسه بتواند خدمت ارزنده ای به جامعه بانوان مسلمان و انقلابی ایران بنماید».(۱)

دو ــ نقش اخلاقی و معنوی زن مسلمان

امام رحمه الله با تبیین نقش علمی و اندیشه ای زن مسلمان در جامعه اسلامی، همواره بر نقش اخلاقی و تهذیب نفس زن مسلمان در عرصه مناسبات اجتماعی جامعه اسلامی تأکید داشت. امام رحمه اللهاخلاق و تهذیب نفس را جزو جدایی ناپذیر سلوک و حیات انسان ــ اعم از زن و مرد ــ در هر دو قلمرو علم و عمل در جهت تحقق آرمان ها و اهداف فردی و اجتماعی اسلامی، دانست. ایشان بر آن بود که در راستای این نقش فرهنگی عظیم، زن مسلمان باید به مرتبه ای از آراستگی اخلاقی و روحی برسد که توان تربیت و سازندگی افراد جامعه اسلامی را داشته باشد:

«من از خدای تبارک و تعالی توفیق شما بانوان و خواهران را می خواهم که هم در علم کوشا باشید و هم در عمل و هم در تهذیب اخلاق».(۲)

«و خود شما مشغول آموزش باشید و مشغول پرورش دخترها و پسرها باشید و

۱- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۳۲.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۵.

مشغول هستید... مسئولید که این بچه ها را تربیت بکنید، این دختر بچه ها[را] تربیت، تربیت اسلامی، تربیت انسانی، روح های آنها را متحول کنید به یک روح انسانی و اسلامی تا برای مملکتتان مفید باشد».(۱)

در واقع، مهم ترین شایستگی و ویژگی زن در نگاه امام رحمه الله، نقش اعجاب برانگیز و اعجازگونه زن در شکوفا کردن استعدادهای نهفته بشری است. امام، زن را بهترین مربی روح و نفس آدمی می داند. اثرگذاری زن در رستگاری جوامع انسانی، مهم ترین ویژگی زنان شایسته ای است که این ویژگی را باور کرده اند. حضرت امام رحمه الله زن را در این مقام با قرآن مقایسه می کند:

«قرآن کریم انسان ساز است و زن ها نیز انسان ساز. وظیفه زن ها انسان سازی است. اگر زن های انسان ساز از ملت ها گرفته بشود، ملت ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد. شکست خواهند خورد. منحط خواهند شد. زن ها هستند که ملت ها را تقویت می کنند، شجاع می کنند».(۲)

ب) نقش فرهنگی زن مسلمان در خانواده

ب) نقش فرهنگی زن مسلمان در خانواده

زن افزون بر وجهه انسانی خویش و نقش اجتماعی اش در سطح جامعه کلان، در سطح خانواده نیز دارای نقش و مسئولیت های چندی است که تربیت شایسته فرزند و پاسداری از کیان انسانی و دینی خانواده، مهم ترین وظیفه او به عنوان مادر و همسر است. امام رحمه الله در این زمینه نیز اندیشه های ارجمندی را به ویژه درباره نقش اساسی مادر در شکل دهی به ساختار شخصیت کودک و تربیت صحیح فرزندان در جهت تأمین سعادت و رشد جامعه، سخن ها ارائه کرده است. امام رحمه اللهدر سخنانش، به این نکته اشاره دارد که نقش مادری و همسری زن مسلمان با نقش اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی او در سطح جامعه منافاتی ندارد و اساسا نباید منافاتی داشته باشد. از این

۱- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳.

روست که بـا توجه به اهمیت کانون خانواده، شـغل اول و اصـیل زنان را تربیت فرزنـد می دانـد. تربیت درست فرزنـد یا انسان سـازی، از کارکردهـای اساسـی خانواده است و این مهم، بیشتر از مادر ساخته است. این نقش برای زنان نقشـی غریزی است و بی اهمیت شـمردن و سرکوب کردن آن، پی آمـدهای ناهنجار روانی و رفتاری برای کودک، مادر و جامعه به همراه دارد. به نظر حضـرت امـام رحمه الله، ایفای این نقش والای انسانی و الهی از طرف زنان، از سویی در گرو همراه ساختن تعلیم و تربیت فرزندان در ابعاد علمی و ایمانی با تهذیب نفس و اصلاح اخلاق خانواده است و از سوی دیگر، در گرو مسئولیت های اساسی زن مسلمان در برابر مسائل و مقتضیات اجتماعی جامعه اسلامی است.

بر این اساس، ایشان زنان را قشری معرفی می کند که باید جامعه را بسازند. زمینه اصـلی چنین تعریفی، از اعتقاد امام به وجود شایسـتگی های بسـیار در زن سرچشـمه می گیرد. قدرت شگرفی که در وجود زن به ودیعه نهاده شده است، هم خود او را در دست یابی به مقام مطلوب قادر و توانا می سازد و هم به دیگران این امکان را می بخشد که در دامن تربیت زن و نقش مادری او، به آنچه شایسته است، دست یابند.

محورهـای اصـلی انـدیشه حضـرت امـام رحمه الله در تبیین نقش فرهنگی زن مسـلمان در خـانواده از جنبه مسـئولیت مـادری و همسـری عبارتنـد از: «دامن مادر، اولین و بهترین زمینه تربیت کودک»، «انسان سازی، شـغل مادر، همانند شـغل انبیا و انحطاط جوامع در گرو تربیت نادرست فرزندان به دست مادران»، «شـرایط تربیت انسان و نقش زن از پیش از ازدواج تا آخرین مراحل زندگی»، «نقش اساسی زن مسلمان در پاسداری از کیان خانواده» و... .

اینک فرازهایی از سخنان حضرت امام رحمه الله در این زمینه را بیان می کنیم:

«شـما خانم ها شـرف مادری داریـد که در این شـرف از مردها جلو هستید و مسـئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر

خوب، بچه خوب تربیت می کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید؛ چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند، به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند، تمام چیزهایی که آرزو دارند، آرزهایی که دارند، خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند. حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر، در بچه ها اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر که اول کلاس است، این دامن اگر دامن طاهر پاکیزه مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می کند. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه ها از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق ها مؤثرتر است، تربیت می شود».(۱)

«یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم... دامن مادرها، دامنی است که انسان از آن باید درست بشود؛ یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه ها از مادر بهتر چیز اخذ می کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند».(۲)

«بانوان محترم! مسئولید همه، مسئولیم همه، شما مسئول تربیت اولاد هستید. شما مسئولید که در دامن های خودتان اولادهای متّقی بار بیاورید، به جامعه تحویل بدهید. همه مسئول هستیم که اولاد[ها] را تربیت کنیم، لکن در دامن شما بهتر تربیت می شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد[ها]. مسئولیت دارید نسبت به فرزندان خود، مسئولیت دارید نسبت به کشور خودتان و شما می توانید بچه هایی تربیت

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۷.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

کنیـد که یـک کشور را آبـاد کننـد. شـما می توانیـد بچه هایی را تربیت کنیـد که حفاظت از انبیا بکننـد، حفاظت از آمال انبیا بکنند. شـما هم خود حافظ باید باشـید و هم نگهبان درست کنید. نگهبان اولاد[های] شما هستند. آنها را تربیت کنید... مادرها بیشتر مسـئول هستند و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است».(۱)

«شـما این مسـئولیت بزرگ را دارید که باید بچه های خودتان را که نوزاد هستند و نفوسشان زود چیز قبول می کند، تربیت را زود قبول می کند، خوب و بد را زود قبول می کند، شما در اول که این بچه ها در دامن شما بزرگ می شوند، مسئول افعال و اعمال آنها هم شـما هستید، همان طوری که اگر یک بچه خوب تربیت کنید، ممکن است که سـعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کنـد، اگر یک بچه بـد هم خدای نخواسـته تربیت کنید، ممکن است که یک فساد در جامعه پیدا شود. گمان نکنید که یـک بچه است. یـک بچه گـاهی وقت هـا در جـامعه وقتی که وارد شـد، در رأس جـامعه واقع می شود و محتمل است که جامعه را به فساد بکشید».(۲)

«اسـلام از شـما این معنا را می خواهد که بچه های خودتان را در دامن های خودتان مهذّب کنید و دامن خودتان را منوّر کنید به نور این بچه های اسلامی که اینها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت خودتان به دست آنهاست».(۳)

«پس یک شـغل، شـغل تربیت اولاد است که مع الاسف در آن حکومت طاغوتی [که] این شـغل را می خواستند از این مادرها بگیرنـد، تبلیغ کردنـد بـه اینکـه زن چرا بچه داری کنـد. این شـغل شـریف را منحطّش کردنـد در نظر مادرهـا، برای اینکه می خواستند که مادرها از بچه ها جدا بشوند. بچه ها را ببرند در پرورشگاه ها بزرگ کنند.

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۸۲.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۷.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۳۷.

مادرها هم علی حده بروند یک کارهایی که آنها دلشان می خواهد، بکنند».(۱)

«شما بانوان که در این نهضت شرکت داشتید و خداوند شما را حفظ کند، از این به بعد هم در این نهضت شرکت کنید و این نهضت را به پیش ببرید و مهم برای شما این است که اولاد[ها] را خوب تربیت کنید. بانوان را آن طور که اینها می خواستند باشند که بچه هایشان از آن جدا باشد، بانوان را بِکِشند به ادارات نه برای اینکه اداره درست بشود، برای اینکه ادارات را فاسد بکنند، یکی اینکه بچه ها را از دامن مادر جدا بکنند و بچه ها از اول که در دامن مادر نباشند، عقده پیدا می کنند و اکثر مفاسد از این عقده هایی است که بچه ها پیدا می کنند. شما بچه های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه ها هستند که کشوری را نجات می دهند. در دامن شما اینها اسلامی بار بیایند، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیایند، باایمان بار بیایند تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند. خداوند همه شما را ان شاءالله سعادتمند کند و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار بدهد».(۲)

۲. نقش سیاسی زن مسلمان

۲. نقش سیاسی زن مسلمان

قبل از اینکه به شرح دیدگاه حضرت امام رحمه الله در مورد نقش سیاسی زنان بپردازیم، باید بدانیم که نقش سیاسی به معنای وظیفه ای است که فرد در قبال نظام اسلامی به عهده دارد و نیز رفتاری که در موقعیت های گوناگون سیاسی و اجتماعی از خود نشان می دهد.

حضرت امام رحمه الله با توضیح نقش مؤثر و سازنده ای که زنان در مبارزات و شکل گیری نهضت اسلامی ایران به عهده داشتند، به بهترین شکل به تبیین موقعیت و نقش سیاسی زنان در جامعه اسلامی پرداخته است. ایشان به سبب هویت انسانی زن، دخالت وی را در شئون سیاسی جامعه حقی اساسی و ساقط نشدنی می داند. برخی از

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۴۹.

محورهای اندیشه حضرت امام رحمه اللهدرباره نقش سیاسی زن به شرح زیر است:

الف) هم دوشی با مردها در فعالیت های اجتماعی و سیاسی

«همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است که بحمدالله امروز در ایران جاری است».(۱)

ب) دخالت در مقدرات اساسی کشور

«قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت ها نقش اساسی داشته اید و سهیم بوده اید، اکنون هم باز باید در پیروزی سهیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع که اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید. مملکت از خود شماست. ان شاءاللّه شما باید مملکت را بسازید».(۲)

ج) دخالت در سیاست؛ تکلیف الهی زن مسلمان

«سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی [است] که در یک کشوری می گذرد از حیث اداره آن کشور. همه اهالی این کشور در این معنا حق دارند. خانم ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند؛ تکلیفشان این است».(۳)

د) خدمت به کشور

«امیدوارم که همان طوری که شماخانم ها در همه اموری که مربوط به پیشرفت اسلام در قبل از این انقلاب و در زمان انقلاب و بعد از انقلاب داشتید، به همین نحو خداوند

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۴.

۲- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۳- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۶.

توفیق بدهد به شما که باتعهد باقی باشید و خدمت کنید به این کشوری که در زیر ستم ستم کاران پای مال شده بود».(۱)

ه) شرکت در انتخابات

شما باید در همه صحنه ها و میدان ها آن قدری که اسلام اجازه داد، وارد باشید، مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است در ایران. خانم ها همان طوری که مردها فعالیت می کنند برای انتخابات، خانم ها هم باید فعالیت بکنند؛ برای اینکه فرقی بین شما و دیگران در سرنوشتتان نیست. سرنوشت ایران، سرنوشت همه است؛ یعنی آن قدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آن قدر خدمت نکرد. اسلام شما را حفظ کرد و شما متقابلاً اسلام را حفظ کنید.(۲)

«آنچه لازم است تذکر دهم، شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در رفراندوم (جمهوری اسلامی) است. زنانی که در کنار مردان، بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته اند. توجه داشته باشید که با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است».(۳)

و) نقش آفرینی در مسئولیت های حرکت اسلامی

پرسش: از نظر اسلامی، زنان تا چه حد مجازند در ساختن بنای حکومت اسلامی شرکت نمایند؟

پاسخ: زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شی ء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می تواند در ساختمان حکومت

۱- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۳۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۳.

۳- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۰۷.

اسلامی مسئولیت هایی به عهده بگیرد.(۱)

در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد، ولی نه به صورت یک شی ء. نه، او حق ندارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند.(۲)

زنان همچون مردها در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد، البته جلوی فساد را می گیریم و در این مورد، دیگر بین زن و مرد فرق نیست.(۳)

ز) حضور و نظارت سیاسی

«باید همه زن ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولتی ناظر باشند، اظهار نظر بکنند».(۴)

۳. نقش اقتصادی زن مسلمان

۳. نقش اقتصادی زن مسلمان

بر اساس اندیشه امام خمینی رحمه الله در این زمینه، زنان مسلمان در حوزه های گوناگون تولید، توزیع، مصرف و تجارت، دارای حق انتخاب کار هستند و در فعالیت های اقتصادی خویش آزادند. نقش اقتصادی زنان، پیرو نقش اجتماعی و فرهنگی و سیاسی آنان در جامعه و نظام اسلامی است. اگر چه هدف از فعالیت های اقتصادی زنان، اگرچه به عنوان هدفی جزئی و مرحله ای می تواند عامل افزایش سطح بهره وری مادی و اقتصادی باشد، ولی همین انگیزه و هدف اقتصادی باید در راستای اهداف سیاسی ـ فرهنگی جامعه و نظام اسلامی در مقوله هایی مانند گسترش عدالت اجتماعی، رشد و

۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۹۲.

۳- صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۵۹.

۴- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۶۹.

بالندگی، تأمین رفاه عمومی، گسترش فرهنگ و دانش انسانی، توسعه اخلاق و معنویت انسانی و مواردی از این قبیل باشد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در زمینه نقش اقتصادی زن مسلمان در جامعه اسلامی معتقد است:

«و ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند».(۱)

«امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزادی زنان و آزادی مردان ... این جانب به زنان توصیه می کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که از خودشان و فرزندانشان است، به طور شایسته بسازند که با همت همه قشرها از وابستگی ها به تمام ابعادش نجات یابیم».(۲)

«بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند چه فعالیت های فرهنگی و چه فعالیت های اقتصادی که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آنها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر و همه اینها پیش خدای تبارك و تعالی مشهور است و شماها مورد عنایت حق تعالی ان شاء الله هستید و مادامی که به این تعهد باقی باشد، خدای تبارک و تعالی شما را نصرت می کند».(۳)

«اینها اگر وارد بشوند در شغل های مثلاً دیگر شغل های غیراساسی، نمی توانند به طور اصالت رفتار کنند، البته شغل برای زن، با شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که آنها می خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۲.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۷۳.

۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۲۰.

بکنـد، نظرشان به این بود که زن را مثل مردها، هم زن ها و مردها را از آن مقامی که دارنـد، منحط کنند. نگذارند یک رشـد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود».(۱)

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۲.

فصل سوم: زن، خانواده و تربیت اسلامی

اشاره

فصل سوم: زن، خانواده و تربیت اسلامی

زیر فصل ها

۱. جایگاه و اهمیت تربیت

۲. مکتب تربیتی مطلوب

۳. نقش و جایگاه تربیتی خانواده

۴. جایگاه و نقش ممتاز مادران در تربیت شایسته فرزندان

۱. جایگاه و اهمیت تربیت

۱. جایگاه و اهمیت تربیت

اگر بخواهیم جایگاه و اهمیت تربیت را از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله بیان کنیم، آسان ترین راه، مراجعه به سخنان ایشان در این زمینه است تا با بررسی و مقایسه آنها با دیگر مقوله ها، به درستی به اهمیت این موضوع دست یابیم. نگاهی اجمالی به نظر حضرت امام رحمه الله در این زمینه، کافی است تا به اهمیت والای تربیت در اندیشه ایشان پی ببریم. امام رحمه الله بارها چه قبل چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به صورتی تفصیلی یا گذرا به اهمیت این موضوع اشاره داشته و جنبه ها و زوایای مختلف آن را بررسی قرار کرده است. امام رحمه الله تا آنجا به این مسئله اهمیت می دهد که اساس عالم و نیز هدف اصلی پیامبران را در همین موضوع خلاصه می کند:

«اساس عالم در تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند».(۱)

«غایت بعثت این تزکیه است. غایت آمدن انبیا این تزکیه است و دنبالش آن تعلیم».(۲)

«تمام نکته آمدن انبیا این است که تربیت کنند این بشر را که قابل از برای این است که تربیت بشود».(۳)

«انبیایی که از طرف خدای تبارک و تعالی آمده اند، برای همین تربیت بشر، برای

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر ۲۲، ص ۸۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۳- صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۸۸.

انسان سازی آمده اند. تمام کتب انبیا خصوصا کتاب مقدس قرآن کریم کوشش دارند به اینکه انسان را تربیت کنند؛ برای اینکه با تربیت انسان، عالَم اصلاح می شود».(۱)

از سوی دیگر، امام خطر نبود تربیت را بسیار مهم و بزرگ می دانست تا جایی که می فرمود:

«خطر نبود آن، از خطر مغول هم بالاتر است».(۲)

یا در مورد خطر انسان تربیت نشده می فرمود:

«آن قدر که انسان غیر تربیت شده برای جوامع مضراست، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر نیست».(۳)

امام رحمه الله اهمیت و رتبه تربیت و تهذیب را بیش از تعلیم و فراگیری آن را پیش از تعلیم می دانست و بارها بر این مهم تأکید می کرد:

«تزکیه، قبل از تعلیم و تعلم است».(۴)

«مسئله تربیت، بالاتر از تعلیم است».(۵)

«کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید قبل از اینکه تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که همه درس، با درس خواندن و تعلیم و تربیت باشد که آن مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت»(۶)

آن رهبر فرزانه تا جایی بر این امر اصرار می ورزید که علم و عالم بدون تربیت را خطرناك می شمرد و خطر آن را از خطر مغول بیشتر می دانست:

«گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده ایم. تربیت نشده ایم. عالم شده اند، تربیت نشده اند. دانشمند

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۰۳.

۲- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۳- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۰۳.

۴- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر ۲۲، ص ۳۱۶.

۵- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر ۲۲، ص ۳۲۴.

۶- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر ۲۲، ص ۳۲۶.

شـده انـد، تربیت نشـده انـد. تفکراتشان عمیق است، لیکن تربیت نشـده انـد و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است و تزکیه نشده است بر بشر وارد می شود، آن خطر، از خطر مغول بالاتر است». (۱)

و بالاـتر از این، امـام در جـایی با فرض اینکه بشـر بین انتخاب علم یا تربیت مختار باشـد، هرچنـد که نبود علم را زیان آور می داند، ولی زیان نبود تربیت را بیشتر از نبود علم می داند:

«اگر چنانچه ما فرض کردیم که بشـر مهـذب بود و عالم نبود، دنیا با آرامش خاطر زنـدگی می کرد. البته از اینکه علم نـدارد، عقب مانـده است و دچار نقیصه بزرگ، ولی روی هم رفته اگر امر دایر بین این دو باشـد؛ یعنی اگر یکی آمـد، دیگری نباشد؛ اگر علم آمـد، تهـذیب نباشد و اگر تهذیب هم آمد، علم نباشد. اگر این بشـر مهذب باشد، آزار به کسـی نمی رساند. مردم را برادر خـود می دانـد. اگر همچـو معنـایی بـه همه شـئونی که تهـذیب نفس داشت، بـود، علم هم هیـچ نبـود، مردم در آسـایش بودند». (۲)

۲. مکتب تربیتی مطلوب

۲. مکتب تربیتی مطلوب

همان گونه که امام خمینی رحمه الله بیشترین تأکید را درباره پرورش انسان ها دارد، به همان نسبت بیشترین توجه و حساسیت را در زمینه الگو و سـرمشق تربیتی انسان ها نشان می دهد. همان گونه که می دانیم، تقریبا تمامی مکتب ها و نظام های بشـری به نوعی به تربیت و مسائـل تربیتی انسـان هـا توجه داشـته انـد و بنـا به تعریف خود از انسان و جهان، برای تربیت او نظریه ها و آداب و دسـتورهایی ارائه می دهنـد که بر اساس آن، سالانه انبوهی از کتاب ها و مقاله های تربیتی در اختیار مخاطبان آن قرار می گیرد. مسئله تربیت، ارتباط مستقیمی با سعادت یا بدبختی و شقاوت آدمی دارد و این دو نقطه انتهایی،

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر ۲۲، ص ۳۳۶.

۲- محمـدرضا مصـطفی پور، مقاله «مبانی و اصول تعلیم و تربیت در آثار امام»، مجموعه مقالات کنگره بررسـی اندیشه و آثار تربیتی امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۴، ص۳۸.

مهم ترین و جدی ترین موضوع حیات بشری به شمار می روند. به همان اندازه که سعادت و شقاوت انسان از درجه اهمیت ممتاز برخوردار است، انتخاب نوع مکتب تربیتی و الگوگیری از آن نیز در بالاترین درجه اهمیت قرار می گیرد. از این روست که امام خمینی رحمه الله به عنوان بزرگ مربی عصر حاضر، به این مسئله توجه خاصی داشته است. ایشان باحساسیت هر چه تمام تر، بارها در حد فهم مخاطبان، در کنار مقایسه مکتب ها و نظام های موجود، اسلام را مهم ترین مکتب تربیتی معرفی می کند. امام رحمه الله در یک مقایسه کلی میان مکتب های توحیدی و دیگر مکتب ها، این گونه بیان می دارد:

«از امتیازات مکتب توحید نسبت به تمام مکتب هایی که در عالم هست، این است که مکتب های توحید، مردم را تربیت می کنند و آنها را از ظلمات خارج می کنند و به جانب نور هدایت می کنند. تمام مکتب های غیر توحیدی، مکتب هایی که مادی هستند یا مردم را از عالم نور برمی گردانند به سوی عالم ظلمت و به مادی گری و ماده دعوت می کنند و از عالم نور منصرف و منحرفشان می کنند و یا آنها را همان دعوت به ماده می کنند و دیگر آن طرفش را کار ندارند، نسبت به عالم نور و ارجاع مردم به عالم نور بی طرف هستند و به هر حال هر دو مکتب چه آن مکتب های ضد توحیدی و چه آن مکتب هایی که نسبت به توحید کاری ندارند و نسبت به توحید بی طرفند، اینها کارهایی که می کنند، تعلیم و تعلیم هایی که دارند، تعلیم و تعلیم هایی است که مربوط به ماده است و مردم را در مادیات و ظلمات منغمس می کند و از توحید و نور بازشان می دارد، لکن مکتب های توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است، درعین حال که با مادیات سرو کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد. مادیات را در خدمت معنویات می آورند و در عین حال که نسبت به مادیات زندگی دنیا نظر دارند، در همان حال مردم را به معنویات متوجه می کنند و از ظلمت ماده نجات می دهند».(۱)

۱- در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله، دفتر ۲۲، ص ۶۶.

امام خمینی رحمه الله در چنـدین مورد دیگر نیز ضـمن مقایسه اسـلام با دیگر مکتب ها، افزون بر تأکیـد بر جامع و کامل بودن دسـتورهای تربیـتی اسـلام کـه یکی از دلایـل برتری ایـن مکتب نسبت به دیگر مکتب هـای غیرالهی است، بـا امر به فراگیری اسلام، آن را به عنوان بهترین و برترین مکتب تربیتی معرفی می کند:

«قوانین اسـلام از آن قبل از اینکه شما ازدواج کنید، برای ازدواجتان ترتیب درست کرده است. برای اینکه این ازدواج طریق به این است که آدم درست بشود، از آنجا شـروع کرده است. شـما حالا می خواهیـد ازدواج کنید. هیچ، هیچ قانونی در عالم کار به این نـدارد که شـما می خواهیـد ازدواج کنیـد، چه جوری بکنید، شـما ثبت کنید، در اداره ای که باید ازدواج را ثبت کنید، بکنید. باقی آن به خودتان مربوط است.»(۱)

با چنین اعتقاد محکمی نسبت به یگانه بودن مکتب تربیتی اسـلام، امام رحمه الله در موارد بسیاری، متناسب با شخصیت تربیتی مخاطبان، اسلام را بهترین الگو و مکتب تربیتی معرفی می کند:

«اسـلام یک رژیم است. یک رژیم سیاسـی است. منتها سایر رژیم ها از بسـیاری از امور غافل بودند و اسـلام از هیچ چیز غافل نیست؛ یعنی اسـلام انسان را تربیت می کنـد به همه ابعادی که انسان دارد. بعـد مادی دارد، راجع به بعـد مادی تصوراتی دارد. بعـد معنوی دارد، راجع به معنویـات صـحبت دارد؛ بالاـتر از آن دارد. بالاـتر از آن صـحبت دارد؛ یعنی از آن وقتی که ازدواج حاصـل نشـده است بین پـدر ومـادر، اسـلام برای سـاختن انسـان دسـتور دارد که چه زنی را انتخاب کنـد، چه مردی را آن زن انتخاب کنـد. وضع اخلاقی اش چطور باشـد، وضع دیانتش چطور باشـد. یک نفر زارع وقتی می خواهـد زراعتی بکنـد و یک تخمی را در یک زمین کشت بکنـد، این زمین را بایـد ملاحظه بکند، آن چیزهایی را که موجب تربیت این است باید ملاحظه بکند، این چیزهایی که وقتی

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۶۹.

ظهور پیدا کرد این مثلاً نبات، باید آنها را ملاحظه کند که چه چیز مفید با این است و چه چیزهایی مخالف با این است، از آن رد بکند، باید همین طور مواظبت بکند تا وقتی که رشد کرد و به ثمر رسید.

اسلام همین معامله را با افراد انسان کرده است؛ یعنی معامله یک نفر زارع که می خواهد یک کِشتی بکند و می خواهد از آن استفاده بکند. از قبل از آنکه کشت بشود، دستور دارد که پدر و مادر چه جور باید باشند؛ یعنی ازدواج چه جور باید باشد. این، برای این است که ملاحظه عاقبت این امر را کرده است که اگر پدر و مادر یکی از آنها مثلاً اخلاقش فاسد باشد، اعمالش، اعمال غیر انسانی باشد، این بچه هایی که پیدا می شود، به واسطه وراثتی که هست در کار اینها، در او تأثیر دارد و لهذا مثل یک کشتکار بسیار دقیق بسیار دل سوز، اسلام به نوع انسان مراعات کرده است و از آن اول تا زمانی که ازدواج می شود، ازدواج که شد، چه ترتیبی در ازدواج است، بعد در قضیه لقاح چه جور آداب، آداب بسیار در آنجا هست. بعد در زمان حمل، آداب بسیار در آنجا هست. بعد در زمان رضاع، عرض می کنم رضاع آداب بسیاری در آنجا هست. بعد در دامن مادر آدابی هست که بعد در ظل پدر آدابی هست. بعد در مدرسه آدابی هست. بعد در اجتماع آدابی هست. این بچه را از آن وقتی که باز به دنیا نیامده مراعات کرده تا برسد به مرتبه عالی و برای همه اینها دستور داد و سایر رژیم های عالم، سایر دولت هایی که در عالم هست، به اینها اصلش کاری ندارد... اسلام یک همچو چیزی است که وقتی که انسان بزرگ شد، معاشرت خودش با برادرش، معاشرت خودش با پدر و مادرش، معاشرت پدر و مادر با پسر، معاشرت این دو تا با همسایگان، معاشرت اینها با همشهری ها، معاشرت اینها با هم دینی ها، اینها با خارجی ها، همه اینها در اسلام هست و اسلام یک حکومتی است که یک جنبه اش حکومت سیاسی است و یک جنبه اش حکومت معنوی؛ یعنی دو طرف دارد انسان، دو وضع دارد انسان، دو رو دارد انسان: یک روی مادی، اسلام در این روی مادی در همه جهاتش احکام دارد، یک روی

معنوی که اصلاً مطرح نیست در رژیم ها که انسان را تربیت های معنوی و تهذیبی بکند تا برسد به مرتبه ای که دیگر هیچ کس نمی داند الا اللّه تا آنجا اسلام همین طور کشیده دست مردم را گرفته و برده است تا برساند به ملکوت اعلی. سایر رژیم ها این طور نیست».(۱)

امام در کنار این مسئله، قرآن را هم به عنوان بهترین کتاب تربیت و انسان سازی معرفی می کند:

«اگر انسان حیوانی بود مثل سایر حیوانات، لکن حیوانی که تدبیر دارد،حیوانی که اهل صنعت است، اگر این بود، احتیاج به آمدن انبیا نداشت... آمدن انبیا برای آن است که بشر نمی داند، آن حقایقی را که انسان نمی داند، به آنها تعلیم بفرمایند. انبیا برای راهنمایی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر آمده اند. قرآن کتاب آدم سازی است. برای آدم ساختن آمده اند. کتاب حیوان سازی نیست، کتاب تعمیر مادیت نیست،... مادیات را قبول دارد در کنار معنویات و مادیات را تبع معنویات قرار می دهد».(۲)

۳. نقش و جایگاه تربیتی خانواده

۳. نقش و جایگاه تربیتی خانواده

از آنجا که در اندیشه امام خمینی رحمه الله، پرورش انسان ها به عنوان بزرگ ترین و مهم ترین مسئله به شمار می آید، ایشان از هر امکان و موقعیتی برای پیشبرد این آرمان مقدس استفاده می کرد. از منظر امام رحمه الله، نه تنها نهادهای مشخص تربیتی در این زمینه نقش مهم و اساسی دارند، بلکه ایشان برای دیگر نهادهایی که تا قبل از انقلاب به ظاهر نقش و ارتباط چندانی با این مسئله نداشتند، نقش و کارکرد تربیتی قائل می شود. برای مثال، نهاد حکومت، نهاد صدا و سیما، مطبوعات و حتی نهاد زندان ها که امام رحمه اللهبرای هر کدام به تناسب کارشان، نقش و کارکردی تربیتی قائل بود.

حال که امام رحمه الله به نهادهای عادی و به ظاهر غیر تربیتی نگاهی تربیتی داشته است

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۰۷.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۶.

و چنین کـارکردی را از آنهـا انتظار دارد، برای نهادهایی تربیتی همچون خانواده و مـدرسه که در این زمینه بالاترین اهمیت را دارا هسـتند، نقش بیشتری قائـل بود و انتظـارات بالاتری داشت. حضـرت امام رحمه اللهبارها بر چنین نقشـی تأکیـد می کرد و خانواده را اولین خاستگاه تربیتی کودک می دانست:

«خانواده شـما باید مدرسه باشد؛ تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان. شما باید نونهالان مهذب تحویل معلمان بدهید و معلمان باید بیشتر آنها را تهذیب کنند».(۱)

«دامن مادر بزرگ ترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می شود».(۲)

«شـما مسـئول هستیـد. مسـئولیت بزرگ است. یـک انسان درست ممکن است یک عالم را تربیت کنـد، یک انسان غیرسالم و یک انسان فاسـد، عالم را به فساد می کشـد. فساد و صـلاح از دامن های شـما و از تربیت های شـما و از مدارسـی که شـما در آنجا اشتغال دارید، از آنجا شروع می شود».(۳)

۴. جایگاه و نقش ممتاز مادران در تربیت شایسته فرزندان

اشاره

۴. جایگاه و نقش ممتاز مادران در تربیت شایسته فرزندان

در فرآینـد تربیت کودک در خـانواده، امـام رحمه الله برای مـادران جایگاهی ویژه و منحصـر به فرد قائل بود. به تعبیر حضـرت امام رحمه الله، کسی در این زمینه نظیر مادر نیست. حضرت امام در سخنان مختلف خویش با عنوان ها و تعبیرهای گوناگونی، نقش ممتـاز مـادران را گوشـزد می کنـد و آنهـا را با موقعیت و مسـئولیت خویش آشـنا می سازد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) نقش زن، بالاتر از نقش مرد

«نقش زن در جـامعه بالاـتر از نقش مرد است. برای اینکه بـانوان علاـوه بر اینکه خودشان یک قشـر فعال در همه ابعاد هسـتند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۴۰.

۲- تبیان، ج ۸ ص ۱۲۳.

۳- صحیفه نور، ج ۸ ص ۲۴۱.

می کنند».(۱)

ب) خدمت مادران، بالاتر از خدمت معلم و دیگران

«خـدمت مـادر بـه جامعه از خـدمت معلـم بالاـتر است و از خـدمت همـه کس بالاـتر اسـت و ایـن امری اسـت کـه انبیـا می خواستند».(۲)

ج) بزرگ ترین مسئولیت و شریف ترین حرفه

«این مـادر که بچه در دامن او بزرگ می شـود، بزرگ ترین مسـئولیت را دارد و شـریف ترین شـغل را دارد؛ شـغل بچه داری. شریف ترین شـغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان به جامعه. این همان بود که خـدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند».(۳)

د) دامن های سرنوشت ساز

«یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کنـد و آن بچه یک امت را نجات بدهـد و ممکن است بـد تربیت کنـد و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود».(۴)

ه) انسان سازی قرآن و زن

«قرآن کریم، انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز».(۵)

و) زن، تربیت کننده مردان و زنان

«مردها در دامن شما بزرگ شدند. شما تربیت کننده مردها هستید. قدر خودتان را بدانید. اسلام قدر شما را می داند».(۶)

«از شماست که مردان و زنان بزرگ تربیت می شود. در دامن شما مردان و بانوان

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۳۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۳۱.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶۱.

۴- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

۵- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۶- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۷۸.

بزرگ تربیت می شود».(۱)

«زن، پرورش ده زنان و مردان ارجمند است... دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است».(۲)

ز) تربیت، بالاترین حرفه زنان

«شما خانم ها به طوری که حالا خودتان می گویید، معلم هستید. دو شغل شریف دارید. شما خانم ها دو تا شغل بسیار شریف دارید، یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل ها بالاتر است. یک فرزند خوب اگر شما به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم».(۳)

ویژگی ها و استعدادهای خاص مادر

ویژگی ها و استعدادهای خاص مادر

همان گونه که بیان شد، امام رحمه الله، در تربیت، بیشترین نقش و سهم را برای مادران قائل بود تا جایی که هیچ کس دیگر حتی پدر یا معلم چنین نقشی را در حد مادر نمی تواند ایفا کند. بی شک، چنین نگرشی نسبت به مادر، از ویژگی های خاص عاطفی و روحی مادران سرچشمه می گیرد. همان ویژگی هایی که امام رحمه الله از آنها آگاهی داشت و در برخی موارد به آنها اشاره کرده است:

۱. سرمایه عاطفی والا و منحصر به فرد مادران

«حقوق بسیار مادرها را می توان شمرد و نمی توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال ها عمر پدر متعهد ارزنده تر است. تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته، آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران در نیاید و این رحمت لایزال است که

۱- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۱۹.
۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۹۴.
۳- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

مادران را تحملی چون عرش در مقابل رنج ها و زحمت ها از حال استقرار نطفه در رحمت و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر، رحمت فرموده. رنج هایی که پدران یک شب آن را تحمل نکنند و از آن عاجز هستند».(۱)

۲. رابطه و علاقه خاص مادر و فرزندی

«دامن مادرها دامنی است که انسان از آن باید درست بشود؛ یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزندی نیست. بچه ها از مادر بهتر چیز اخذ می کنند».(۲)

«علاقه ای که بچه به مادر دارد، به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود، در قلبش نقش می بندد و تا آخر همه اش می ماند».(۳)

«... و چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند، به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند، تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند».(۴)

۳. اثرگذاری خاص مادران بر فرزندان

«حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه اثر دارد... بچه وقتی در دامن مادرش هست، می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق ها مؤثرتر است، تربیت می شود».(۵)

۱- روح اللّه خمینی، جلوه های رحمانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱، ص۴۷؛ تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۲۵.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

۳- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

۴- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

۵- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۷.

«بچه از مادر بهتر چیز اخذ می کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادرها هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند».(۱)

«در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استادان... مادرها باید توجه به این کنند که بچه ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند، دامن هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد و این، یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از دیگران ساخته نیست. آن قدری که بچه از مادر می شنود، از پدر نمی شنود. آن قدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نورس تأثیر دارد و به او منتقل می شود، از دیگران عملی نیست».(۲)

۴. آرامش بخشی مادر نسبت به فرزندان

«مادری که بچه اش گرفتاری دارد و می خواهد او را نجات بدهد، آن قدری که الطاف این مادر او را آرام می کند، مداوا آن قدر تأثیر در او ندارد. این الان احتیاج به او دارد که روحش آرام بشود، مادر روح این را آرامش می دهد...».(۳)

دامان تربیتی مادران

دامان تربیتی مادران

در دوران پهلوی، به سبب فرهنگ پست حاکم بر جامعه، متأسفانه زنان، دست کم زنان طاغوتی، با فرهنگ غربی، از مقام و منزلت واقعی و معنوی خویش کاستند و از اوج عفاف و لطافت معنوی به پست ترین نقطه مادیت و دنیاخواهی و تجمل پرستی سقوط کردند. بسیاری از آنها همچون عروسک هایی بدون روح، تنها در فکر زیبایی ظاهری و ارضای امیال و هواهای نفسانی خویش بودند. با طلوع خورشید انقلاب اسلامی و با نگرش معنوی امام رحمه الله به زنان بار دیگر این قشر انسان ساز بر اثر آشنایی با آموزه های امام رحمه الله و انقلاب به خود آمدند و در پی اصلاح حیثیت انسانی خود، دوباره به سوی

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

۲- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۸۰.

قله های رفیع انسانیت و معنویت گام برداشتند. به یقین در پیمودن این مسیر، حضرت امام رحمه الله بیشترین و مهم ترین نقش را ایفا نمود. ایشان که به روشنی از ستمی که در گذشته به اسم آزادی و آزادسازی زنان، بر بانوان این مرز و بوم رفته بود، آگاه بود و در هر فرصت و موقعیتی، زنان را از این ستم آگاه می کرد و همواره می کوشید تا زنان را با استعدادها و گوهر مقدس وجودی شان آشنا سازد. در این میان، افزون بر تشویق زنان به بازگشت به خود واقعی آنان و جایگاه ارجمند و حقیقتشان، در بیان های مختلف خویش ــ حتی در به کاربردن واژه ها و تعبیرها نیز ــ دقت، ابتکار و حکمت خاصی به خرج می داد و معمولاً هنگام خطاب قرار دادن زنان یا تعریف و توصیف آنان، واژه ها و تعبیرهایی را به کار می برد که بار ارزشی و معنوی خاصی داشت. از جمله این تعبیرها، «دامان مادران و زنان» بود که امام رحمه الله با توصیف های متعالی و گوناگونی به آن اشاره داشت که از اهتمام خاص امام به مقام و منزلت واقعی زنان و مادران خبر می دهد. در ادامه به برخی از این مطالب اشاره می کنیم:

۱. دامن عصمت، عفت و عظمت

«دامن شما دامن عصمت و عفت و عظمت است».(۱)

۲. دامان مدرسه

«دامان شما یک مدرسه ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت شود».(۲)

و در جایی دیگر می فرماید:

«اول مدرسه ای که بچه دارد، دامان مادر است».(۳)

۳. دامن، محل عروج

«از دامن زن مرد، به معراج می رود».(۴)

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۶۱.

۲- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۷.

۴- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۹۴.

۴. محل کسب فضایل

«شما فضایل تحصیل می کنید تا کودکان شما در دامان شما به فضیلت برسند».(۱)

۵. بهترین مکتب

«دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد[ها]».(۲)

۶. محل پرورش فرزندان شایسته

«دامن بانوان است که بچه های خوب را پرورش می دهد».(۳)

۷. دامان پاک

«رحمت واسعه خداوند بر آن پدران و مادرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شب های نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند».(۴)

«رحمت خداوند بر این دامن های پاکی که پرورانندە این جوانان شیردل می باشند».(۵)

۸. دامن های مطهر

«چگونه سخن می توان گفت در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامن های مطهر خود چنین فرزندانی را تربیت کرده اند. چه می توان نثار کرد».(۶)

۹. دامن های انسان ساز

«دامن های شما دامن هایی است که انسان درست می کند».(۷)

مسئولیت مادری و تربیت فرزند، حرفه ای شریف و اصیل

مسئولیت مادری و تربیت فرزند، حرفه ای شریف و اصیل

۱- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۸۳.

۳- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۱۹.

۴- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱.

۵- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲۴.

۶- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۰.

۷- صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۴۰.

حضرت امام رحمه الله بارها از مسئولیت مادری و تربیت فرزند به عنوان حرفه ای اصیل و شریف یاد می کرد که شاید این تعبیر، پاسخی بود به آن دسته از تبلیغات منفی که در گذشته بر ضد نقش مادری زنان صورت می گرفت. تبلیغات مسمومی که رژیم شاه به پیروی از فرهنگ غرب، برای به ابتذال کشاندن زنان این مرز و بوم بدان دامن می زد. رژیم گذشته به دلایل مختلف، در پایین آوردن مقام مادری و سبک جلوه دادن این مقام می کوشید تا جایی که به قیمت از هم پاشیدن خانواده، در بیرون آوردن زنان از حریم خانواده آن هم نه به جهت خدمت به جامعه، بلکه به منظور به خدمت درآوردن زنان در جهت منافع سیاسی و فرهنگی خود، از هیچ کوششی فروگذار نکرد، رژیم تبلیغات خود را در این زمینه تا اندازه ای پیش برد که بسیاری از زنان از اینکه تنها در خانه به وظیفه مادری و خدمت به خانواده بپردازند، خود را در مقابل زنان شاغل، کوچک و حقیر احساس می کردند. ازاین رو، حضرت امام رحمه الله برای مقابله با این فرهنگ ویرانگر، با وجود تأیید حضور اجتماعی زنان و نیز اشتغال آنان ــ البته در چهارچوب موازین شرع و عرف ــ از هر فرصتی برای تقویت و تحکیم روحیه مادری و نیز بالاـ بردن این تفکر در جامعه تلاش می کرد. به همین دلیل، همواره از مسئولیت مادری به عنوان شغلی شریف و اصیل که شاید هیچ شغلی به ارزش و مرتبه آن نباشد، یاد می کرد. در اینجا به سخنان امام رحمه اللهدرباره توطئه فرهنگی رژیم برای پایین آوردن مقام مادری و نیز به دیدگاه روشن و متعالی ایشان نسبت به شغل مادری می پردازیم:

«البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که آنان می خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها، هم زن ها را و مردها را از آن مقامی که دارند، منحط کنند. نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد. نگذارند بچه های ما تربیت صحیح بشوند و لهذا از آن اول جلویش را گرفتند. دامن بانوان که مرکز تربیت اطفال است، محروم شد بسیاریش از این. بعد در دبستان ها

بچه ها رفتند. آنجا هم با تبلیغات سویی، با کتاب های منحرفی، آنها را منحرف کردند. بعد در دانشگاه که رفتند، عمّال آنها نگذاشتند رشد صحیح بکنند. نگذاشتند دانشمندان صحیح تربیت بشوند. اشخاص ملی صحیح، اشخاص اسلامی صحیح تربیت بشوند».(۱)

«مع الاسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می خواستند از این مادرها بگیرند. تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه داری بکند. این شغل شریف را منحطش کردند در نظر مادرها؛ برای اینکه می خواستند که مادرها از بچه ها جدا بشوند. بچه ها را ببرند در پرورشگاه ها بزرگ کنند. مادرها هم علی حده بروند یک کارهایی که آنها دلشان می خواهد، بکنند».(۲)

«در طول این سلطنت، اینها کوشش کردند که مادران را از بچه ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه داری چیزی نیست؛ شما توی ادارات بیایید و اینها بچه های معصوم را جدا کردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی و غیر رحیم آنها را به تربیت فاسد تربیت می کردند».(۳)

«این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود، بزرگ ترین مسئولیت را دارد و شریف ترین شغل را دارد؛ شغل بچه داری. شریف ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند».(۴)

«این شغل که شغل انبیا هست و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست؛ در اول تربیت بچه».(۵)

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۲.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

۳- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

۴- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶۱.

۵- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶۰.

«انبیا آمـده انـد که انسان بسازنـد. انبیا مأمورند که افرادی که بشـر هسـتند و با حیوانات فرقی دارند، اینها را انسان کنند، تزکیه کننـد. شـغل انبیا همین است. بایـد شـغل مادرها هم همین باشـد نسـبت به بچه هایی که در دامنشان است و با اعمالشان آنها را تزکیه کنند».(۱)

ویژگی های مادر نمونه

اشاره

ویژگی های مادر نمونه

در نظـام اسـلامی، به ویژه در صـفات اخلاـقی و انسانی رهبری از هر جهت بایـد الگو و نمونه باشـد؛ زیرا که وظیفه اصـلی او، راهنمـایی و رهـبری مردم به سـوی قله هـای رفیـع اخلاـق و انسـانیت است که امـام راحـل رحمه الله، نمونه کامـل این گونه از رهبران بود. امام رحمه الله نه تنها خود به تنهایی برای تمامی قشـرها و طبقه ها به عنوان الگویی بی همتا مطرح بود، بلکه تلاش می کرد بـا تعیین و ترسـیم معیارهـایی برای هر قشـر و گروه، نمـونه هـا و الگوهـای مطلوبی را معرفی کنـد. قشـر زنـان به ویژه مادران، از جمله مهم ترین اقشار اجتماعی بودند که حضرت امام رحمه الله با بیان ویژگی های مادران مطلوب انقلاب اسلامی، می کوشـید جهت و مسیر حرکت آنان را به سوی آن نمونه آرمانی تنظیم کنـد. با اندکی تلاش برای گردآوری مجموعه این اخبـار و سـخنان، می توان به تصویر روشـنی از مـادر مورد نظر و مطلوب حضـرت امام رحمه الله و انقلاب دست یافت؛ الگوی ارزشـمندی که سـال هـا ملاـک حرکت مـادران قهرمـان این مرز و بـوم قرار گرفت و آنـان را در این آزمون، سـربلند و پیروز ساخت.

گردآوری مجموعه این ملاـک هـا می توانـد به عنوان منشوری مقـدس فراروی مـادران حال و آینـده جامعه ما قرار گیرد تا با توجه و پای بنـدی به آن، سـعادت خود و فرزنـدان آینده این مرز و بوم را تأمین کنند. همان گونه که گفته شد، این ملاک ها برداشتی است از:

الف) توصیف هایی که امام از مادران موفق ــ و احیانا ناموفق ــ داشته است.

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۶۲.

ب) از سفارش ها و بایدها و نبایدهایی که خطاب به مادران داشته است.

مجموعه این بودها و بایدها را به عنوان ویژگی ها و مشخصات مادران نمونه و برتر از نگاه امام خمینی رحمه الله در عنوان های زیر می آوریم:

۱. انسان کامل

۱. انسان کامل

آرمان نهایی انقلاب اسلامی در بعد فردی، تربیت و تحویل انسان های کامل به جامعه است. این مهم زمانی حاصل می شود که اینان از تربیت انسان های کامل برخوردار شوند. چون مادران، نقش اول را در تربیت ایفا می کنند. آنها باید به این درجه از کمال رسیده باشند. امام رحمه اللهدر این باره می فرماید:

«اسلام می خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند که بر دامن شما انسان های کامل تربیت بشوند».(۱)

۲. اهل تهذیب و مراقبت و آراسته شدن به اخلاق اسلامی

۲. اهل تهذیب و مراقبت و آراسته شدن به اخلاق اسلامی

«برنامه طویل المدت برای شما جوان ها، برای شما خانم ها، برای همه این است که اگر شماها یک انسان مهذب باشید، مقاصد اسلامی را پیش می برید. اگر این خانم ها بچه های مهذب بار بیاورند، بچه های اسلامی بار بیاورند، شما هم دینتان، هم دنیاتان محفوظ است».(۲)

«خانم های محترم! خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید. خودتان را اسلامی بار بیاورید که در اسلام همه چیز هست. خودتان در پناه اسلام و به اخلاق اسلامی متخلق شوید که همه چیز در اسلام هست».(۳)

۳. حرفه مادری و مسئولیت تربیت، حرفه و مسئولیت اصلی زن

۳. حرفه مادری و مسئولیت تربیت، حرفه و مسئولیت اصلی زن

«این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود، بزرگ ترین مسئولیت را دارد و شریف ترین

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۷۷.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶.

۳- صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۷.

شغل را دارد؛ شغل بچه داری. شریف ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند».(۱)

«شما گمان نکنید اینها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن، اینها تکذیب می کنند و مطلب را یک مطلب خیلی سستی می گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پایینی می گیرند، اینها غرض صحیحی دارند».(۲)

«مبدأ یک عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنابراین، این شغل که شغل انبیا هست و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست در اول تربیت بچه».(۳)

۴. سرشار بودن از عطوفت، رحمت و مهربانی

۴. سرشار بودن از عطوفت، رحمت و مهربانی

«مادری که بچه اش گرفتاری دارد و می خواهد او را نجات بدهد، آن قدری که الطاف این مادر او را آرام می کند، مداوا آن قدر تأثیری در او ندارد. این الان احتیاج به او دارد که روحش آرام بشود. مادر روح او را آرامش می دهد».(۴)

۵. تلاش برای علم آموزی

۵. تلاش برای علم آموزی

«شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضایل اخلاقی، فضایل اعمال مجهز شوید. شما برای آتیه مملکت ما، جوانان نیرومند تربیت کنید. دامان شما یک مدرسه ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشود. شما فضایل تحصیل می کنید تا کودکان شما در دامان شما به فضیلت برسند».(۵)

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶۱.

۲- صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۴۰.

۳- صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶.

۴- صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۹.

۵- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۱۹.

۶. همراهی با نهضت با تربیت فرزندان شایسته

۶. همراهی با نهضت با تربیت فرزندان شایسته

«شما بچه های خودتان را حفظ کنید. بچه های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه ها هستند که کشوری را نجات می دهند. در دامن شما اینها اسلامی بار می آیند، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیایند، باایمان بار بیایند تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند. خداوند همه شما را ان شاء اللّه سعادتمند کند و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار دهد».(۱)

حضرت امام؛ در این کلام کوتاه خویش بر نقش استراتژیک زن به ویژه نقش مادری زن چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب تأکید می کند. شالوده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بر ایمان، تقوا و کرامت های انسانی است. پس همان گونه که با تلاش جان های پاک و نفوس مهذب پا به عرصه وجود گذاشت، دوام و بقای آن نیز در محیطی پاک و نورانی و به وسیله انسان های صالح و سالم امکان پذیر است. همان گونه که گفته شد، به دلیل نقش مهم مادران در تربیت چنین افرادی، وجود عنصر «مادری» به عنوان بزرگ ترین پشتوانه نظام و انقلاب مطرح می شود به ویژه مادرانی که با انقلاب و اهداف مقدس آن آشنا و همراهند و به خوبی به نقش حساس و خطیر خود در این زمینه آگاهند. ازاین روست که می بینیم حضرت امام رحمه الله، جدای از نقش فردی زنان و مادران، به نقش و کارکرد اجتماعی و انقلابی آنان نیز بسیار اهمیت می داد و همواره با تأکید بر اصالت و استحکام خانواده، بر نقش و روحیه مقدس مادری نیز تأکید می کرد. ایشان در این زمینه، نقش زنان را در خدمت به انقلاب بیش از مردان دانسته است و می فرماید:

«بانوان ایران در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری نسبت به مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه ها مشغول فعالیت هستند، سهم آنها بیشتر از دیگران است و در

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۴۹.

تربیتی که اشتغال دارند، چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خردسالانشان و چه تربیت هایی و جاهای دیگر مجالس دارند، باز سهم بزرگی در این انقلاب دارند».(۱)

یا در جایی دیگر بیان می دارد:

«بانوان ایران، جانشان را، جوانشان را، وقتشان را وقف اسلام کردند و اسلام را به اینجا رساندند و امیدواریم که از این به بعد هم از این بالاتر بشود و مطمئن باشید که تا شماها در صحنه هستید و شماها متعهد به اسلام هستید و جوان می دهید و جوان تربیت می کنید، این اسلام به پیش برود».(۲)

آن رهبر بزرگوار با این تأیید و تأکید خود، ارزش جدیدی را برای زنان و مادران به تصویر می کشد که همان ارزش همراهی با انقلاب در تربیت فرزندان صالح و انقلابی است و با قدردانی از تلاش این گونه زنان و خانواده ها، آنان را به کسب و تقویت این ارزش تشویق می کند:

«شما خانواده هایی بودید که در دامن شما این جوان های برومند تربیت شده اند که فداکاری کردند برای اسلام».(۳)

لازمه کسب و حفظ این ارزش، داشتن بینش و آگاهی انقلابی به ویژه بصیرت، شناخت و مقاومت در برابر نقشه ها و توطئه های استکباری است که امام به یک نمونه آن، چنین اشاره می کند:

«بانوان محترم ایران ثابت کردند که دست خوش این طور توطئه ها نشده اند و نمی شوند و ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه نخواهند در آن راه هایی که قدرت های بزرگ برای تباه کردن کشور پیش پای آنان گذاشته بود،

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۲۱.

۳- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

به آن راه ها نخواهند رفت».(۱)

فصل چهارم: سیره عملی امام خمینی رحمه الله در ارتباط با زنان

اشاره

فصل چهارم: سیره عملی امام خمینی رحمه الله در ارتباط با زنان

شخصیت امام رحمه الله را به کوهی یخی می توان تشبیه کرد که تنها بخش ناچیزی از قله آن را می توان مشاهده کرد، ولی بیشترین بخش آن را در زیر آب پوشیده و ناپیداست. در شخصیت امام رحمه الله نیز این قله آشکار، همان وجهه سیاسی و اجتماعی ایشان است. وجهه ای که برای مردم بیشتر آشناست و با این ویژگی او را می شناسند، در حالی که جنبه های دیگر، بیشتر پوشیده و ناپیداست. رفتار و سلوک شخصی ایشان با مردم و اطرافیان به ویژه با زنان و دختران، از جمله این نیمه پنهان است. اگر قرار باشد آنچه را بنویسیم که در مدت عمر بلند و پر برکت امام رحمه الله در رابطه با رفتار ایشان با همسر، خانواده، دختران و زنان اطراف ایشان اتفاق افتاده است، هر سطر و هر جمله آن، برای جویندگان حقیقت اسلام ناب، درسی عملی است، ولی صد افسوس که آنچه از این عرصه به یادگار مانده است، چیزی نیست که بتوان حتی در یک کتاب کوچک گرد آورد که آن هم مجموعه ای اندک از خاطرات پراکنده اطرافیان حضرت امام رحمه اللهاست.

در این نوشته تلاش شده است که نمونه های قابل استناد پس از گردآوری، تا آنجا که امکان دارد به صورتی منطقی دسته بندی شود و یک یا شماری از آنها به فراخور

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۱.

موضوع مربوط به آن، با عنوانی مشخص ارائه شود و از آنجا که نمونه های بیان شده، به خودی خود گویا و روشن گر است، کوشیده ایم از تحلیل و توضیح اضافی بپرهیزیم.

رابطه با همسر

اشاره

رابطه با همسر

زیر فصل ها

۱. انتخاب همسر

۲. رعایت احترام به همسر

۳. برخورد قاطع به خاطر همسر

۴. ابراز علاقه به همسر

۵. پذیرش مدیریت خانه به وسیله همسر

۶. احترام در برابر زحمات همسر

۷. آزادی همسر

۱. انتخاب همسر

۱. انتخاب همسر

انتخاب همسر و ازدواج در زندگی هر کسی جزو حساس ترین و مهم ترین مراحل زندگی به شمار می آید و این مسئله برای انسان های بزرگ که آرمان های بلند اجتماعی در سر دارند، از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که شریک زندگی، نقش مهمی در دست یابی یا دست نیافتن انسان به اهداف و آرمان هایش دارد. بنابراین، هر دو باید از سنخیت لازمی در این زمینه برخوردار باشند. به یقین، برای حضرت امام رحمه الله نیز این مسئله از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. دست کم دین داری، اصالت و دارا بودن روحیه علمی برای کسی که می خواهد همسر یک عالم سخت کوش و هدفدار باشد، از ملاک ها و اولویت های اولیه سنخیت به شمار می آید و این، چیزی بود که امام رحمه اللهبدان معتقد بود:

حضـرت امـام رحمه الله بر آن بود که از یـک خانواده دین دار و شـناخته شـده، همسـر اختیار کننـد. ایشان گفته بود: «من نمی خـواهم از خمین همسـر بگیرم؛ چـون می خواهم کفو خودم باشـد. اگر خودم درس می خوانم، می خواهم همسـری بگیرم که همفکر من باشد. در نتیجه، باید از قم همسر بگیرم و از خانواده روحانی و هم شأن خودم باشد».(۱)

ازاین رو، وقتی که دختری با این ویژگی ها را یافتنـد، از اینکه برای به دست آوردن رضایت وی پافشاری کنـد و مدت ده ماه صبر پیشه کنـد، ابایی نـداشت، هرچند که در آن زمان برای کسـی مثل ایشان که از نظر علمی در حد اجتهاد بود، چنین چیزی مرسوم نباشد و بسیار نادر هم باشد:

۱- امیرضا ستوده، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۴. گفت و گو با خانم فریده مصطفوی

«قبول خواستگاری حدود ده ماه طول کشید. چون من حاضر نبودم به قم بروم... از طرف دیگر هم، آقای سید احمد لواسانی از جانب داماد (حضرت امام رحمه الله) هر شب می آمد خواستگاری و می پرسید «چی شده؟» پدرم هم می گفت: «زن ها هنوز راضی نشده اند».(۱)

۲. رعایت احترام به همسر

۲. رعایت احترام به همسر

امام رحمه الله برای همسر خویش احترام خاصی قائل بود، به گونه ای که این احترام زبانزد همه کسانی بود که با ایشان ارتباط داشتند. همسر حضرت امام در این باره می گوید:

«به من خیلی احترام می گذاشتند و خیلی اهمیت می دادند؛ یعنی یک حرف بد و یا زشت به من نمی زدند. همیشه در اتاق جای خوب را به من تعارف می کردند. همیشه تا من نمی آمدم سر سفره، غذا را شروع نمی کردند. به بچه ها می گفتند صبر کنید تا خانم بیاید».(۲)

این گونه رفتار از سوی حضرت امام رحمه الله از چنان ارزشی برخوردار بود که احترام به همسر و مادر به صورت فرهنگی همگانی در خانواده ایشان حاکم شده بود. خانم فریده مصطفوی، فرزند حضرت امام رحمه الله در این باره می گوید:

«این قدر ایشان (امام رحمه الله) در خانه نسبت به خانم محبت و احترام قائل بودند که ما فرزندان هم تحت تأثیر تقلید ایشان قرار گرفته بودیم. ما از اول که چشم باز کردیم، می دیدیم که ایشان تا زمانی که خانم سر سفره حاضر نشده و دست به غذا دراز نمی کردند، غیرممکن بود سر سفره بیایند و مشغول غذا خوردن بشوند و خواه ناخواه ما نیز صبر می کردیم تا مادرمان بیایند و مشغول غذا خوردن بشوند، بعد ما مشغول شویم».(۳)

امام رحمه الله حتی در وصیت نامه ای که در سال ۱۳۵۶ به صورتی مختصر نوشته بود،

۱- مجله ندا، ش ۱۲. (مصاحبه با همسر گرامی حضرت امام رحمه الله)

۲- مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۴.

۳- پیام زن، ش ۳، ص ۲۳.

همین مسئله را به فرزندان خود یادآور می شود:

«فرزنـدان من عموما و احمـد خصوصا، موظفنـد از مادر خود اطاعت کننـد و با احترام با او رفتار کننـد و رضای او را به دست آورند که خیر دنیا و آخرت آنان در آن است و ...».(۱)

ایشان حتی در اوج مبارزه و در شـرایطی که به ترکیه تبعیـد شـده بود، از وضـعیت همسـر خویش غافل نشد و در هر پیغامی به فرزنـدان، به ایشان در مورد همسـرشان نیز بسـیار سـفارش می کرد. ایشان در قسـمت هایی از نامه خویش به فرزنـدش، شـهید مصطفی خمینی در تاریخ ۱۹/۸/۴۳ می فرماید:

«... لازم است در موضوع مادر، خواهرها و احمد و بسـتگان به شما تأکید کنم. رضای خداوند و رضای من در حسن سلوک با آنهـاست. مادر خیلی احتیاج به خـدمت دارد. بایـد از هر حیث مادی و معنوی رضایت او را به دست آوریـد. نگذاریـد نگرانی پیدا کند، راحتی او را فراهم کنید».

«... به من در تهران گفتند اگر خانواده را بخواهید می فرستیم، لکن صـلاح نیست. اینجا به ایشان بد خواهد گذشت. من هم از ناراحتی ایشان ناراحت خواهم شد».

خانم فریده مصطفوی از اهتمام حضرت امام رحمه الله درباره همسرشان می گوید:

«خانم اگر کاری در خانه انجام می دادند، حتی اگر اسـتکانی را جابه جا می کردند و ما نشسته بودیم، امام با ناراحتی به ما می گفتند شما نشسته اید و خانم کار می کنند»؟(۲)

۳. برخورد قاطع به خاطر همسر

۳. برخورد قاطع به خاطر همسر

«ویژ گی امـام رحمه الله در برخـورد بـا مسائـل خـانواده، حرمت گـذاری و درک شخصـیت زنـان بود؛ یعنی همسـر را به عنوان خـدمت کار یا عنصـری که در خانه بایـد تـدارکات و خدمات و خانه را عهده دار شود، نمی دانسـتند. همسـر را به عنوان یک همراه، همراز و چه بسا

۱- مجله حضور، ش ۲۱، ص ۱۵.

۲- پیام زن، ش ۳، ص ۲۶.

یـک همفکر می دانسـتند... در انتخـاب اولیـه شـان دقت کرده بودنـد و می دانسـتند که این همسـر، عنصـر فهمیـده ای است و نیازهـای یـک خـانواده علمی و ادبی را می دانـد و دیگر لازم نیست به او تـذکری داده شود؛ یعنی او هم به مثابه همسـرش در ایجاد یک فضای مناسب آرام و متناسب با زیست یک مقام علمی و معنوی سـهم دارد و تلاش خود را می کنـد. صـحنه ای را شاهد بودم و می توانم شـخصا شهادت بدهم، افسردگی و در عین حال تصمیم قاطع امام رحمه الله در برخورد با کسی [را] که نسـبت به شخصـیت خانواده شان بی حرمتی کرده است: در نجف کسـی بود که ملازم حضـرت امام رحمه الله بود. هرگاه امام رحمه اللهدر منزل برای درس یا حرم و یا به مسـجدی برای ادای نماز تشریف می بردند، همراهشان بود. هنگامی که مراجعانی در بین راه با امام رحمه اللهمواجه می شدنـد، جسارت اینکه با امام صـحبت کنند را نداشـتند. به این فرد پیغام می دادند یا اگر امام رحمه اللهضرورت می دیدند، دستوری را صادر فرمایند و می خواستند به فوریت مطرح کنند، به همراهشان می گفتند که این تـذکر را به کسـی یا به خودشان یادآوری کنـد یا فلان اقدام را انجام دهد. این ملازم، آقای روحانی محترمی بود که هنوز هم حیـات دارد. زمانی گویا حرکتی را انجام داده بود که به نظر می رسـید به شخصـیت خانواده امام بی احترامی و بی توجهی نشـان داده است. امـام به دلیـل احترامی که برای خـانواده شان قائل بودنـد و به دلیل اهمیتی که به ضـرورت احترام گذاشـتن و درک شخصـیت زن داشـتند، به آن ملازمشان یادآوری کردند که از این حرکت متأثرند و پس از آن مایل نیسـتند که او آنجا باشـد. به این ترتیب، او را طرد کردنـد تا دیگر این بی احترامی ها تکرار نشود. البته بعـدا همسـر امام ظاهرا خواسـته بودنـد که امتیاز موقعیت آن آقا از وی سلب نشود و در خدمت امام بماند که البته امام پذیرفتند».(۱)

«... (امام) همیشه به دایی احمد سفارش می کردند: «خانم را تنها نگذارید.» ... ایشان

۱- پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۴۹ و ۵۰. از خاطرات حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی

به همسرشان علاقه وافری داشتند، به طوری که از نظر امام همسرشان در یک طرف قرار داشت و بچه هایشان در طرف دیگر و این دوست داشتن با احترام خاصی توأم بود».(۱)

۴. ابراز علاقه به همسر

۴. ابراز علاقه به همسر

ابراز علاقه نسبت به همسر، از دستورهایی است که در دین اسلام بر آن بسیار سفارش شده است. امام رحمه الله نیز نسبت به این مسئله توجه خاصی داشت. با این توضیح که شیوه ابراز علاقه، متناسب با شخصیت هر فرد است. خانم فریده مصطفوی می گوید:

«امام قرار گذاشته بودند که سالی یک بار خانم به تهران بروند و سه ماه تابستان را در تهران بگذرانند. خودشان هم به خمین می رفتند. این برنامه همیشه بود. حتی تا بزرگ شدن ما نیز ادامه داشت. امام سختشان بود که خانم در زمستان به مسافرت بروند و از روزی که خانم به مسافرت می رفتند، اخم های امام درهم بود تا خانم برگردد. امام در موقع ورود خانم به منزل می خندیدند و این، یکی از راه های ابراز علاقه آقا به خانم بود».(۲)

آقای محتشمی نیز می گوید:

«امام رحمه الله هیچ گاه در طول پانزده سالی که در نجف بودم، با کسی با تلفن صحبت نمی کردند. وقتی که به پاریس رفتیم، همان روز اول و دوم بود که فرمودند: تلفن نجف را بگیرید، من با خانم صحبت کنم.

در مدتی که حضرت امام رحمه الله در پاریس بودند، این مسئله چندین بار اتفاق افتاد که با همسرشان چندین بار تلفنی صحبت کردند. به سبب همین نزدیکی و رابطه عاطفی که ایشان با خانواده شان داشتند، چندین بار از پاریس پیام دادند که هرچه زودتر کار گذرنامه و ویزای خانم را درست کنید تا ایشان هم به پاریس تشریف بیاورند و سرانجام نیز بعد از یکی دو هفته ایشان آمدند.

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۹۸. (از خاطرات خانم زهرا اشراقی نوه امام خمینی رحمه الله)

۲- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۴.

وقتی خانواده امام وارد پاریس شدند، یک احساس طمأنینه و آرامشی را در امام احساس کردیم».(۱)

۵. پذیرش مدیریت خانه به وسیله همسر

۵. پذیرش مدیریت خانه به وسیله همسر

کارشناسان و صاحب نظران در مسائل خانواده و همسرداری به این نتیجه رسیده اند که مدیریت امور داخل منزل بایست به عهده خانم خانه باشد و وی در این زمینه از آزادی عمل کامل برخوردار باشد. آنها بر این عقیده اند که رعایت این مسئله افزون بر تأثیرگذاری مثبت بر روی خانم خانه، در تربیت فرزندان نیز تأثیرات مثبتی به همراه خواهد داشت و این اصل تقسیم کار منزل و بیرون از منزل، همان اصلی است که پیامبر گرامی در ابتدای زندگی مشترک حضرت علی علیه السلام با دخت گرامی شان به آنها سفارش فرمود.

سخنان فرزندان امام رحمه الله و نیز همسر گرامی ایشان در این باره، حکایت از حاکم بودن همین اصل در خانه دارد. خانم فریده مصطفوی می گوید:

«کارهای داخلی منزل امام رحمه الله، همه به اختیار خانم و [امام] هیچ گونه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند. البته خانم هم خیلی مقید بودند که هیچ کاری بر خلاف میل و رضای آقا انجام ندهند و قدمی برندارند».(۲)

البته این مسئله بدان معنا نیست که امام بار کارهای منزل را بر دوش همسرشان می گذارد یا کاری به ایشان تحمیل می کرد، بلکه مدیریت و تصمیم گیری درباره امور مختلف داخل منزل به عهده همسر ایشان بود و تمامی اعضای خانواده حضرت امام نیز در مورد این سخن هم عقیده اند که امام به هیچ وجه از همسرشان انتظار کار در منزل نداشت. همسر گرامی حضرت امام رحمه الله می فرماید:

«... حتی حاضر نبودند که من در خانه کار بکنم. همیشه به من می گفتند جارو

۱- پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲- پیام زن، ش ۳، ص ۲۳.

نکن. اگر می خواستم لب حوض روسری بچه را بشورم، می آمدند و می گفتند: «تو نباید بشوری»... حتی یک سال که کسی که همیشه در منزلمان کار می کرد، نبود، آن موقع ما در امامزاده قاسم بودیم، همین اواخر بود که بچه ها بزرگ شده بودند و شوهر کرده بودند، وقتی ناهار تمام شد، من نشستم سر حوض تا ظرف ها را بشویم، ایشان همین که دیدند من دارم ظرف ها را می شویم، از بین دخترها فریده منزل ما بود، گفتند: «فریده برو؛ خانم دارد ظرف می شوید.» فریده آمد ظرف ها را از من گرفت و شست و کنار گذاشت».(۱)

«من تا به حال یاد ندارم امام رحمه الله در طول زندگی به خانم گفته باشند که یک چای برای من بیاور. اگر کسی نبود که چای برایشان بیاورد، به خانم می گفتند: «بگویید برای من چای بیاورند».(۲)

ممانعت و سخت گیری حضرت امام رحمه الله درباره کار خانم در منزل به حدی بود که بنا به گفته خانم، ایشان در زمانی که حضرت امام رحمه الله در خانه حضور نداشت، کارها را انجام می داد: «من پشت او اتاق را جارو می کردم و وقتی او نبود، لباس بچه ها را می شستم».(۳)

خانم طباطبایی، عروس حضرت امام رحمه الله نیز در این باره می گوید:

«... امام هرگز به خانم دستور انجام کاری را نمی دادند. خانم تعریف می کردند که وقتی دکمه ای از پیراهنشان می افتاد، می گفتند: «می شود این را بدهید بدوزند.» نمی گفتند: «خودت بدوز.» و احیانا اگر روز بعد دوخته نشده بود، نمی گفتند: «چرا ندوخته اید»، می گفتند: «کسی نبود بیاید بدوزد؟»

تا آخر عمرشان هرگز به خانم نگفتند: «یک لیوان آب به من بده»، اما خودشان

۱- مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۳.

۲- پیام زن، ش ۳، ص ۲۶. (از خاطرات خانم فریده مصطفوی، دختر حضرت امام رحمه الله).

۳- مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۳.

مکررا این کار را برای خانمشان انجام می دادند. مثلاً می دانستند خانم فراموش می کنند قرصشان را بخورند و آن را به این ترتیب یادآوری می کردند».(۱)

«روی هم رفته باید بگویم که حضرت امام رحمه الله جارو کردن و ظرف شستن و حتی شستن روسری بچه خودمان را هم وظیفه من نمی دانستند و اگر به جهت نیاز گاهی به این کارها دست می زدم، ناراحت می شدند و آن را به حساب نوعی اجحاف نسبت به من می گذاشتند. حتی وقتی وارد اتاق می شدم، به من نمی گفتند: «در را پشت سرتان ببندید»، صبر می کردند تا بنشینم و بعد خودشان بلند می شدند و در را می بستند».(۲)

امام نه تنها مخالف کار خانم در منزل بود، بلکه عملاً نیز در هر فرصتی به ایشان کمک می کرد. خانم فریده مصطفوی می گوید: «ایشان برای مراقبت از فرزندان، با همسرشان نهایت همکاری را می کردند و شب ها دو ساعت ایشان استراحت می کردند و مادرمان از ما نگه داری می کردند و دو ساعت مادرمان استراحت می کردند و امام از ما نگه داری می کردند».(۳)

حتی در زمان اوج انقلاب؛ یعنی زمانی که حضرت امام رحمه اللهدر پاریس بودند، امام از همکاری در امور منزل غفلت نمی ورزید، خانم مرضیه دباغ در مورد آن روزها در خاطره ای زیبا می گوید:

«... روزی نیز بر حسب اتفاق، تعداد میهمانان منزل امام زیاد شده بود. پس از صرف غذا، ظرف ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا، دختر آقای اشراقی، آماده شدیم که ظرف ها را بشوییم، اما دیدم که خود امام هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا خانم پرسیدم: «حاج آقا چرا به آشپزخانه آمده اند؟» و حق داشتم که تعجب کنم؛ زیرا وقت وضو نبود. امام رحمه الله آستین هایشان را بالا زدند و فرمودند: «چون

۱- پا به پای آفتاب، ص ۱۷۰.

۲- مجله دانش، ص ۱۴. (مصاحبه با همسر گرامی حضرت امام رحمه الله)

۳- پا به پای آفتاب، ص ۱۲۲.

ظرف های امروز زیاد است، آمده ام کمکتان کنم.» بدنم شروع به لرزیدن کرد؛ خدایا چه می بینم. به زهرا گفتم تو را به خدا از امام رحمه اللهخواهش کنید تشریف ببرند. خود ما ظرف ها را می شوییم».(۱)

خانم دباغ در این باره خاطره دیگری را به یاد می آورد که چنین است:

«بهترین و زیباترین شب عمرم نیز همان شبی بود که وارد منزل حضرت امام شدم و مسئولیت اداره بیت [در فرانسه] را به من دادند. واقعا تا صبح خوابم نمی برد. تمام مدت با خود گفتم: «مرضیه! این تویی که خدا این همه به تو لطف کرده است که کنیزی خانه امام را به دوش داشته باشی؟» بعد از نماز همین طور نشسته بودم و فکر می کردم و فکر می کردم که دیدم صدای استکان و نعلبکی از آشپزخانه می آید. با عجله رفتم و دیدم که حضرت امام رحمه الله چای را دم کرده اند، استکان و نعلبکی را در سینی گذاشته اند و با دست مبارکشان آنها را به اتاق می برند. عرض کردم: «حاج آقا! شما چرا؟» فرمودند: «خواستم یک کمکی به خانم کرده باشم.» بلافاصله آنها را از دستشان گرفتم و خودم به اتاق بردم».(۲)

۶. احترام در برابر زحمات همسر

۶. احترام در برابر زحمات همسر

حضرت امام خمینی رحمه الله کار کردن در منزل را وظیفه همسر نمی دانست و از آن جلوگیری می کرد. ایشان با این نگرش، هرگاه همسرشان کاری را انجام می داد، اگرچه به خوبی هم انجام نمی شد، از ایشان قدردانی می کرد. خانم فریده مصطفوی، دختر حضرت امام رحمه اللهمی گوید:

«اگر روزی خانم غذا را تهیه می کردند، هر چه قدر هم که بد می شد، کسی حق اعتراض نداشت و امام رحمه الله از آن غذا تعریف می کردند».(۳)

۱- پا به پای آفتاب، ص ۳۱۵.

۲- پا به پای آفتاب، ص ۳۳۹.

۳- پا به پای آفتاب، ص ۹۷.

۷. آزادی همسر

۷. آزادی همسر

به شـهادت همسـر و تمام وابسـتگان حضرت امام رحمه الله، همسر ایشان با رعایت واجبات و محرمات، در تمام امور از آزادی کامل برخوردار بودند. بهترین گواه، سخن همسر گرامی ایشان است:

«... اوایـل زنـدگیمان، هفته اول یـا مـاه اول، یـادم نیست، به من گفت: «من به کار تو کاری نـدارم به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش، اما آنچه از تو می خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمات را ترک کنی»؛ یعنی گناه نکنی و به مستحبات خیلی کاری نداشتند. به کارهای من کاری نداشتند. هر طور که دوست داشتم زندگی می کردم. به رفت و آمد با دوسـتانم خیلی کاری نداشـتند، چه وقت بروم، چه وقت برگردم. ایشان به درس و تحصـیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بود».(۱)

خانم فریده مصطفوی نیز با بیان خاطره ای از زبان مادر گرامی شان، بر این امر صحه می گذارد:

«جامع المقـدمات را خوانـدم. البته سال اول هیئات خواندم و بعد از آن، جامع المقدمات. دو بچه داشـتم که سـیوطی را شـروع کردم. وقتی سـیوطی تمام شـد، چهار بچه داشـتم: بچه چهارم که فریـده خانم است، وقتی به دنیا آمد، من دیگر وقت مطالعه و درس خواندن نداشـتم، ولی شـرح لمعه را شروع کردند. مقداری شرح لمعه خواندم که دیدم عاجزم و هیچ نمی توانم بخوانم. مجموعا هشت سال طول کشـید. بعدا که در انقلاب به عراق رفتیم، شـروع کردم به یادگیری زبان عربی و چون معاشر نداشتم، زبـان عربی را از روی کتـب درسـی آنهـا شـروع کردم... اینکه خودشـان قبـول کردنـد که به من درس بدهنـد، برایم در حکم تشویق بود».(۲)

۱- مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۵.

۲- مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۴.

این سخنان، تنها بخشی بود از نمونه های رفتاری حضرت امام رحمه الله با همسر گرامی شان که در خلال خاطرات بستگان ایشان به صورت مختصر و گذرا به آنها اشاره شد. همین مقدار اندک کافی است تا مشخص کند که امام رحمه الله چگونه با پیروی از سیره معصومان علیهم السلام و رعایت احکام دینی توانسته است الگویی زیبا و کامل از روابط زناشویی را در مقابل دیدگان پویندگان این راه بگذارد و اهمیت این روش و منش، زمانی بیشتر آشکار می شود که شرایط زمانی ازدواج و زندگی زناشویی حضرت امام رحمه الله را نیز در نظر بگیریم. امام در زمانی چنین رفتار شایسته ای را با همسر خویش پیشه خود ساخته بود که در جامعه نوعی مردسالاری حاکم بود. در آن دوره و حتی تا همین اواخر، زن از جایگاه کم اهمیتی برخوردار بود، چه برسد به اینکه قابل احترام و تکریم فراوان باشد. زن در خانه بعضا در حد یک کلفت زحمت کش بود که جز آوردن بچه و خدمت به شوهر و بچه ها، وظیفه دیگری نداشت و از سوی دیگر، امام رحمه الله زمانی با همسر خویش به گونه ای شایسته رفتار می کرد که دست کم در جامعه آن زمان ایران، هیچ کدام از مجامع و محافل کنونی حمایت از حقوق زنان نبود و هیچ ندا و سخنی در این باره به گوش نمی رسید و رفتار آن گونه امام رحمه اللهدر چنین شرایطی، حکایت از اصالت و استقلال اندیشه ایشان نسبت به زنان دارد؛ اندیشه اصیلی که نه در زمان رواج اندیشه مردسالاری ذره ای تحت تأثیر آن قرار گرفت و نه در این زمان و در جو پرهیاهوی حمایت از حقوق زن از ارزش های خویش برای همراهی با این جو دست کشید که این، همان عدالت و اعتدالی است که کلید رهایی زنان جامعه و نیز گمشده واقعی آنان است.

«امام پس از قرن ها که حقوق زنان ضایع شده بود و آنها ملعبه دست صاحبان زر و زور قرار گرفته بودند، عظمت روحی، شخصیت، شرافت و عزت واقعی شان را به آنان نمایاندند. ایشان همواره آنها را به دخالت مستقیم در سرنوشت خویش و امور سیاسی اجتماعی مکلف می نمود. ایشان در عمل و بیان، رابطه سالم اسلامی با خانواده و همسر

را آموختنـد و مصـداق واقعی مسـاوات و عـدالت و هـم دلی در همکـاری در خـانه را چـون جـدشان، علی علیـه السـلامتحقق بخشیدند».(۱)

رفتار حضرت امام خمینی رحمه الله با فرزندان دختر

اشاره

رفتار حضرت امام خمینی رحمه الله با فرزندان دختر

زیر فصل ها

۱. تبعیض قائل نشدن میان دختر و پسر

۲. تربیت آزادمنشانه

۳. آزادی دختران در انتخاب همسر

۴. جدیت نسبت به حدود شرعی

۵. حفظ حرمت و عزت دختران

۱. تبعیض قائل نشدن میان دختر و پسر

۱. تبعیض قائل نشدن میان دختر و پسر

خانم فریده مصطفوی در این باره می گوید:

«آنچه که اصـلاً در منزل ما مطرح نبود، دختر و پسـر بودن بچه ها بود. همه بچه ها برای امام عزیز بودنـد. ما هیچ وقت احساس نکردیم که حتی ایشان کدام یک از ما را بیشتر دوست دارند و کدام یک را کمتر. رفتارشان با همه یکسان بود».(۲)

با وجودی که امام رحمه الله در رفتار خود هیچ گونه تبعیضـی میان فرزندان خود قائل نمی شد، ولی در ظاهر نسبت به دختران لطف بیشتری داشت. در سخنی دیگر، خانم فریده مصطفوی در این زمینه می گوید:

«البته ظاهرا نسبت به اولاد دختر اظهار محبت بیشتری می کردند. حضرت امام رحمه الله همیشه محبت و لطف خاصی نسبت به دختران خود داشـتند. این امر شاید به خاطر آن باشد که می دانسـتند که اولاد دخترشان در جامعه آن طور که باید مورد لطف قرار نمی گیرند و جامعه آن طور که شایسته است به طبقه بانوان توجه ندارد. ما همیشه مورد محبت ایشان بودیم».(۳)

این رفتار محبت آمیز امام رحمه الله نسبت به دختران در همان ابتدای تولد فرزند دختر مشهود بوده است. برای روشن شدن این واقعیت به خاطرات آقای رحیمیان از اعضای دفتر بیت حضرت امام رحمه الله است، نظر می افکنیم.

«در زمستان سال ۱۳۶۳ خداوند فرزند دختری به این جانب عطا فرمود. چند روز

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۲۲. (گفت و گو با خانم فریده مصطفوی، دختر گرامی حضرت امام رحمه الله)

۲- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۲۲.

بعـد از تولـد، مـادرش او را به بیت معظم له آورد. بعـد از انجـام کارهـای معمول، از محضـر امـام خارج شـدم و نوزاد را برای تشرف به خدمت حضـرتشان آوردم. از پله های حیاط بالا می آمدم که توجه حضرت امام به حقیر جلب شد. با تبسم و نشاط کم سابقه اذن دخول دادند. قبل از اینکه سـخنی بگویم، فرمودند: «بچه خودتان است؟» عرض کردم، بله! بلافاصله دو دستشان را به علامت تحویل کودک جلو آوردند و هم زمان پرسـیدند: «دختر است یا پسـر؟» عرض کردم: دختر است. او را در آغوش گرفتند و صورت به صورت او گذاشـتند و پیشانی او را بوسـیدند و در این حال فرمودند: «دختر خیلی خوب است. دختر خیلی خوب است. دختر خیلی خوب است.» و در گوشـش دعا خواندنـد. سـپس از اسم او سؤال فرمودند، به عرض رساندم: آقا اسـم برایش انتخاب نکرده ایم. گذاشـته ایم حضـرت عالی انتخاب بفرمایید و حضـرت امام بدون تأمل فرمودند: «فاطمه خیلی خوب است، فاطمه خیلی خوب است، فاطمه خیلی خوب است».

۲. تربیت آزادمنشانه

۲. تربیت آزادمنشانه

امام رحمه الله در تربیت فرزندان از جمله دختران، می کوشید آنها را مستقل و آزادمنش بار آورد:

«رفتار امام رحمه الله در زندگی ما تأثیر بسزایی داشت. ما امروز در خانواده امام آزادی کاملی را احساس می کنیم و مردها هم در نهـایت آزادی به سر می برنـد. نه زن بـا مرد آن مقـابله را دارد که به اختلاف و کشـمکش برسـد، نه مرد با زنان، بلکه هر کس در مورد کارهای خیر تصـمیم گیرنده اصـلی است و خودش هم مسئول و تصمیم گیرنده عملکردش است. این را من در اثر تربیت حضـرت امـام رحمه الله می دانم؛ زیرا ایشان مسـتقلاً در مورد کارهای خود تصـمیم گیرنـده بودنـد و مادر ما هم در تمام مسائل مربوط به خود تصمیم گیرنده بودند. این نعمت آزادی را ما مدیون تربیت امامیم».(۱)

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. آزادی دختران در انتخاب همسر

۳. آزادی دختران در انتخاب همسر

همان گونه که بیان شـد، اصل آزادی و اسـتقلال در تربیت فرزنـدان، همواره مورد تأکید امام عزیز بوده است و فرزندان ایشان در محیطی آزاد و با تربیتی آزادمنشانه، به گونه ای مسـتقل و متکی به خود بار می آمدنـد. شاید یکی از نمودهای این مسـئله، آزادی عمل دختران در انتخاب همسر باشد. در این گونه موارد، امام رحمه الله در عین اینکه نقش نظارتی و هدایتی خود را به خوبی ایفـا می کرد، ولی در نهـایت، این دخـتر بود که آزادانه جواب مثبت و یـا منفی می داد و به هیـچ وجه تحمیلی در کـار نبوده است. یکی از دختران حضرت امام در این باره می گوید:

«... در مورد دخترها، هر خواستگاری که می آمد، نظر دختر شرط بود. به عنوان مثال می گفتند: این شخص فرد خوبی است و به صـلاح شـماست. دختر هم قبول می کرد، ولی اگر در بعضـی موارد دختر می گفت نه، امـام رد می کردنـد. در مواردی که خودشان نمی پسندیدند، اصلاً به دخترشان نمی گفتند».

خانم فاطمه طباطبایی، عروس امام نیز این مسئله را به گونه ای دیگر بیان می دارد:

«در انتخاب همسر، موضوع را با دختران خود در میان می گذاشتند. البته درست است که در محیط های بسته و کوچک، دختر و پسـر یکدیگر را نمی شناسـند، اما خانواده ها نسـبت به هم شناخت دارند. مثلاً دختر امام خانواده داماد را کاملاً می شناخت. امام هم نظرشان را با دخترشان در میان می گذاشتند و مثلاً می گفتند که برداشت من از این پسر این است. این امتیازات و این نقـاط ضـعف را دارد، اما در نهایت، تصـمیم گیری را به او واگـذار می کردنـد؛ چون اساسا اگر غیر از این باشـد، عقـد شـرعا صحیح نیست».(۱)

۴. جدیت نسبت به حدود شرعی

۴. جدیت نسبت به حدود شرعی

گفتیم که فرزندان حضرت امام رحمه الله از جمله دختران ایشان، در زندگی از آزادی لازم

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۶۸.

برخوردار بودند، ولی این بدان معنا نیست که این آزادی بدون قید و شرط باشد؛ چرا که آزادی مورد پذیرش امام رحمه الله، آن آزادی ای بود که در چهارچوب موازین شرعی باشد. بنابراین، مشاهده می کنیم که امام رحمه الله نسبت به این حدود جدیت و حتی در صورت لزوم، سخت گیری نیز نشان می داد. پرهیز از هر نوع گناه، پرهیز از دروغ، غیبت، تهمت، اذیت و آزار مسلمانان و مواردی از این قبیل، همیشه مورد تأکید حضرت امام رحمه الله بوده است.

«همیشه ما را مقید می کردند که معصیت نکنیم و مؤدب به آداب اسلامی باشیم. هر چه قدر در منزل بازی یا شلوغ می کردیم، هیچ ایرادی نمی گرفتند، ولی اگر می فهمیدند که کاری کرده ایم که همسایه اذیت شده، به شدت به ما اعتراض می کردند و ناراحت می شدند که «چرا این کار را کردید؟»... در منزل حق انجام هیچ گونه گناهی، از جمله غیبت، دروغ، بی احترامی به بزرگ تر و توهین به مسلمان را نداشتیم خصوصا در مورد توهین به مسلمان، حساسیت زیادی داشتند».(۱)

از جمله مواردی که ایشان همیشه بر آن تأکید داشت، حجاب دختران و حفظ حدود شرعی روابط با نامحرمان بوده است: «ایشان مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم.»(۲)

«و از مسائلی که امام بیشتر به آنها توجه داشتند، محدود بودن ارتباط بین زن و مرد بود. یادم است که ده سال بیشتر نداشتم و با برادرهایم و پسر خاله ام قایم باشک بازی می کردیم؛ حجاب هم داشتم، اما امام یک روز مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید، مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها بازی می کنید؟ از آن روز به بعد با پسرها بازی نکردم».(۳)

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱۰۱، ص ۹۹. خانم فریده مصطفوی
۲- پا به پای آفتاب، ج ۱۰۱، ص ۹۹. خانم فریده مصطفوی
۳- پا به پای آفتاب، ج ۱۰۱، ص ۹۹. خانم فریده مصطفوی

به نمونه ای دیگر از جدیت حضرت امام رحمه الله در این زمینه از زبان دختر ایشان نظر می افکنیم:

«... ایشان همیشه مقید بودند ما از مغازه چیزی نخریم. با اینکه ما بچه بودیم، می گفتند: «چیزی می خواهید، بگویید این کارگر بخرد.» من یک دختر ده یازده ساله بودم. رفته بودم زیر گذر کاغذ بخرم. همان طور که تند می آمدم و صورتم را خیلی خوب نگرفته بودم _ البته مکلف بودم. تا مکلف نبودیم، هیچ تکلیفی بر ما بار نمی کردند _ دیدم آقا دارند می آیند و مرا دیدند. چون هم صورتم تقریبا باز بود و هم تند می آمدم و با ایشان روبه رو شدم. به قدری که وحشت کردم و دو روز در منزل پنهان شدم؛ یعنی سر سفره حاضر نمی شدم. یک جوری بهانه می کردم و می رفتم با کارگر خانه ناهار می خوردم و شب ها خودم را به خواب می زدم و نمی رفتم سر سفره. ایشان هم نمی گفتند: «چرا فریده سر سفره نمی آید»، در صورتی که اگر یکی از بچه ها یک روز سر سفره نبود، مقید بودند بپرسند: «چطور نیست؟ چرا سر سفره نیست؟» اگر خانه بودیم، باید سر سفره حاضر می شدیم و اگر هم خانه نبودیم، می پرسیدند چرا نیستیم؟ چون ما اصلاً حق نداشتیم بدون خانم جایی برویم، ولی ایشان می دانستند من برای چه رو نشان نمی دهم، به این دلیل اصلاً هم به روی خود نیاوردند. برای اینکه قبح قضیه از بین نرود و این وحشت برای ما باقی بماند. این اثر خوبی هم داشت و آن، این بود که باعث می شد ما کار خلافی انجام ندهیم، نه اینکه دایما انجام دهیم یا تنبیه شویم یا «ببخشید» بگوییم و باز دو مرتبه همان کار را انجام دهیم».(۱)

البته ناگفته نماند:

الف) این سخت گیری ها همان گونه که اشاره شد، مربوط به اصول بود و در مورد فروع و مستحبات و امور مکروه به هیچ وجه این گونه نبوده است: «البته ایشان نسبت به

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۰.

فروعات ما را آزاد می گذاشتند. خیلی سخت نمی گرفتند، ولی راجع به اصول که خیلی به آنها مقید بودند، هیچ کس قدرت مخالفت نداشت».(۱)

ب) امام رحمه الله در مورد مسائل تربیتی و حفظ حدود شرعی پیش از اینکه امر و نهی زبانی داشته باشد، به گونه ای عملی، اخلاق و احکام را آموزش می داد: «کارهای دینی به ما دیکته نمی شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می دیدیم، خود به خود در ما تأثیر می گذاشت و همیشه سعی می کردیم مثل ایشان باشیم، ولو اینکه مثل ایشان نمی شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما یک الگو بودند. وقتی کاری را به ما می گفتند «انجام ندهید» و ما می دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی کنند، قهرا ما هم انجام نمی دادیم. مثلاً به ما می گفتند: «باید نماز بخوانید، خودشان از نیم ساعت به ظهر وضو می گرفتند و مشغول نماز خواندن می شدند و ما هم داخل حیاط مشغول بازی کردن بودیم. یک مرتبه هم نیامدند صدا کنند که: «دخترها! بایستید برای نماز. بیایید من ایستاده ام، پشت سر من یا خودتان نماز بخوانید.» ایشان تمام سال، اول اذان نماز می خواندند، ولی یک بار هم به ما نگفتند که: «الان دست از کارتان بردارید، موقع اذان است. دست از بازی بردارید و بایستید برای نماز».(۲)

ج) در مورد مسائلی همچون حجاب با وجود سخت گیری نسبت به آن، می کوشید در خانواده فشار کمتری بر روی دختران و زنان خانه باشد و بیش از اینکه زنان را محدود کند، پسران و مردان خانواده را ملزم و محدود می کرد تا دختران و زنان در آسایش بیشتری باشند: «در خانه خودشان هم وقتی یکی از نوه هایشان مکلف می شد، دیگر با ما در یک اتاق نمی نشست؛ چون امام در این کار ضرورتی نمی دیدند. جالب اینجاست که وقتی ما نزدشان بودیم، به آنها می گفتند که بیرون بروند نه به ما یا اگر من نزد ایشان بودم و نوه مکلف شده شان که مثل پسر خود من است، می خواست وارد اتاق

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۰.

شود، می گفتند کسی اینجاست».(۱)

د) با وجود سخت گیری نسبت به مسائل شرعی و چشم پوشی نکردن نسبت به این قبیل امور، به رعایت حقوق فرزندان نیز بسیار تأکید می کرد:

«یادم است در دوران کودکی، من و دو خواهر بزرگ ترم که نه و یازده ساله بودند، علی رغم تذکر قبلی امام رحمه الله در مورد نرفتن به خانه همسایه، به آنجا رفته بودیم. خبر به گوش ایشان رسید. ایشان برای تنبیه خواهر بزرگ ترم ترکه ای را برداشتند و برای ترساندن او آن را به دیوار زدند که ترکه شکست و چوب شکسته به پای خواهرم اصابت کرد و بعد از مدتی محل اصابت غیرعمدی ترکه کبود شد. ایشان از ماجرا خبردار شدند و مقدار کبودی را دیدند و در قبال آن، «دیه» لازم را به او دادند و با ملاطفت خاصی دوباره دستور خود را تکرار کردند».(۲)

۵. حفظ حرمت و عزت دختران

۵. حفظ حرمت و عزت دختران

مراعات شخصیت و عزت فرزندان به ویژه دختران، جزو دستورهای اکید دینی و اخلاقی ماست که در هر مرحله از زندگی آنان، مصداق و نمود خاص خود را دارد. یکی از این نمونه ها که به زمان ازدواج مربوط می شود، تعیین مهریه برای دختر و نیز فراهم آوردن جهیزیه متناسب و لازم برای او است که رعایت آن البته در حد معقول و مشروع می تواند در حفظ عزت و تحکیم موقعیت دختر در خانواده شوهر، عامل تعیین کننده ای باشد. ازاین رو، شاهدیم که حضرت امام رحمه الله در این مورد نیز ضمن رعایت آداب شرعی و سنت های عرفی، در حفظ عزت و شخصیت دختران خویش اقدام لازم را به عمل آورده است و شاید در شرایطی که هر خواستگاری بدون هیچ گونه انتظاری درمورد این گونه مسائل و تنها به خاطر شخصیت حضرت امام رحمه الله و شرافت این خانواده، با کمال میل داوطلب ازدواج با این خانواده بود، ولی حضرت امام

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۰.

رحمه الله برخلاف بضاعت طلبگی، نسبت به این مسئله اقدام می کرد و حتی نسبت به برگزاری مراسم عقد و عروسی کوتاهی نمی کرد:

«در مورد مراسم ازدواج فرزندانشان، هم عقد گرفتند، هم عروسی، البته خیلی مختصر و معمولی. نسبت به نوه هایشان چون بعد از انقلاب بود، خیلی ساده برگزار می کرد. البته جهیزیه [به]دخترانشان می دادند، ولی جهیزیه ای به اندازه رفع حاجت و خیلی معمولی. جهیزیه ای که در زمان ما به آن رفع حاجت می گویند؛ یعنی یک فرش معمولی و دو دست رختخواب و مختصری وسایل دیگر. البته آن زمان هم این قدرها جهاز مرسوم نبود. مقید بودند که دختر باید مهریه داشته باشد، آن هم باز به حد متعارف یک خانواده معمولی. از این جهت همه دخترهایشان هم مهریه داشتند و هم مقداری جهیزیه».(۱)

۱- پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۲۳. خانم فریده مصطفوی

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. تبیان.

۲. خمینی، روح اللّه ، جلوه های رحمانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۱.

۳. در جست وجوی راه از کلام امام رحمه الله.

۴. ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۷.

۵. صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۶. مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۴.

۷. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۶۴.

نشریات

۱. مجله ندا، شماره ۱۲.

۲. پیام زن، شماره ۳.

۳. مجله دانش.

۴. مجله حضور، شماره ۲۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹